



شماره یازدهم/سال ششم/ فصلنامه علمی دانشجویی

رساله عدلیه

تابستان ۱۴۰۳

آنچه میخوانیم:

- * تحلیل انتقادی قوانین **حقوق تجارت بین الملل** از منظر قوانین داخلی ایران و قوانین بین المللی: ارائه راهکارهای اصلاحی با تطبیق قوانین داخلی و بین المللی
- * اختلال **شخصیت دو قطبی** و برخی بیماری های روانی از منظر حدود مسئولیت کیفری
- * چالش های اجرای درست **اصل ۸ قانون اساسی** در جامعه کنونی
- * تاثیرات عدالت ترمیمی در مناطق محروم
- * بررسی قرارداد مالکیت زمانی یا Time-Sharing و انطباق آن با فقه و قوانین موضوعه
- * نقد فیلم: **بی بدن**



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رساله عدلیه

فصلنامه علمی دانشجویی رساله عدلیه
انجمن علمی _ دانشجویی حقوق دانشگاه اراک
شماره یازدهم/سال ششم/تابستان ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: انجمن علمی _ دانشجویی حقوق دانشگاه اراک
استاد مشاور: دکتر مهدی عاشوری/ عضو هیئت علمی دانشگاه اراک
مدیر مسئول : جلال غفرانی
سردبیر : محمد امین حیطاوی
صفحه آرا : زهرا عباسی
هیئت تحریریه :افسانه حاجیلو / محمد صادق عبدالحی / تارا تقوایی /
مهسا شاهپوری / حسین بی غم / پریسا علیخانی / فرناز چوبندیان /

فهرست

۶ سخن مدیر مسئول

۸ تحلیل انتقادی قوانین حقوق تجارت بین الملل از منظر قوانین داخلی ایران و قوانین بین المللی: ارائه راهکارهای اصلاحی با تطبیق قوانین داخلی و بین المللی

۱۲ اختلال شخصیت دو قطبی و برخی بیماری های روانی از منظر حدود مسئولیت کیفری

۱۶ چالش های اجرای درست اصل ۸ قانون اساسی در جامعه کنونی

۲۱ تاثیرات عدالت ترمیمی در مناطق محروم

۲۴ بررسی قرارداد مالکیت زمانی یا Time-Sharing و انطباق آن با فقه و قوانین موضوعه

۳۰ نقد فیلم: بی بدن

سخن مدیر مسئول

مدیر مسئول: جلال غفرانی

دبیر انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه اراک
دانشجوی کارشناسی رشته حقوق دانشگاه اراک



ghofrani.j109@gmail.com

با سلام و احترام

به نام دانش و روشنایی، ما با افتخار شماره یازدهم “رساله عدليه” را به دست شما می‌رسانیم. این نشریه، نتیجه تلاش های دانشجویان رشته حقوق دانشگاه اراک در گردآوری مطالب مفید علمی است که به تبیین مسائل مختلف در زمینه های حقوق می‌پردازد. در این راه، نویسندگان، دانشجویان، استادان، و همه علاقه مندان به دانش، با همکاری و تلاش مشترک، محتوای ارزشمندی را برای شما آماده کرده‌اند. امیدواریم که این نشریه، به عنوان یک منبع اطلاعاتی و الهام بخش، در راهبرد دانش و پیشرفت جامعه ما مؤثر باشد. ما منتظر نظرات، پیشنهادات و مشارکت های شما هستیم.

با تشکر از همراهی شما

جلال غفرانی مدیر مسئول نشریه رساله عدليه



تحلیل انتقادی قوانین حقوق تجارت بین الملل از منظر قوانین داخلی ایران و قوانین بین المللی: ارائه راهکارهای اصلاحی با تطبیق قوانین داخلی و بین المللی

نویسنده: افسانه حاجیلو

دکتر DBA حقوق تجارت بین الملل

ایمیل: afsanehajiloi@gmail.com



به عنوان مثال، بررسی های اولیه نشان می دهد که در سال ۱۳۹۹، حدود ۳۵ درصد از قراردادهای تجاری بین المللی ایران به دلیل تعارض میان قوانین داخلی و بین المللی با چالش های حقوقی مواجه شده اند (اتفاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، ۱۴۰۰).

۱.۲. اهمیت و ضرورت تحقیق:

اهمیت این پژوهش از چند جنبه قابل بررسی است:

۱. ضرورت افزایش جذب سرمایه گذاری خارجی در شرایط تحریم و محدودیت های اقتصادی (شیروی و همکاران، ۱۳۹۸)
۲. لزوم بهبود جایگاه ایران در شاخص های بین المللی سهولت کسب و کار (بانک جهانی، ۲۰۲۱)
۳. نیاز به افزایش شفافیت و قابلیت پیش بینی در نظام حقوقی تجارت بین الملل ایران (اسکینی، ۱۳۹۷)
۴. ضرورت هماهنگ سازی قوانین تجاری ایران با استانداردهای بین المللی (سازمان جهانی تجارت، ۲۰۲۱)

۱.۳. پیشینه پژوهش:

مطالعات متعددی در زمینه حقوق تجارت بین الملل ایران انجام شده است. به عنوان مثال، شیروی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی چالش های حقوقی سرمایه گذاری خارجی در ایران پرداخته اند. همچنین، اسکینی (۱۳۹۷) تأثیر قوانین تجارت بین الملل بر توسعه اقتصادی را مورد مطالعه قرار داده است. با این حال، خلأ موجود در ادبیات، عدم وجود رویکردی جامع و تطبیقی در تحلیل قوانین تجارت بین الملل ایران است که این پژوهش قصد دارد آن را پر کند.

۱.۴. سوالات و فرضیات تحقیق:

سؤال اصلی: چگونه می توان با رویکردی تطبیقی، قوانین حقوق تجارت بین الملل ایران را اصلاح کرد تا ضمن حفظ منافع ملی، با استانداردهای بین المللی نیز هماهنگ شود؟
فرضیه اصلی: اصلاح قوانین حقوق تجارت بین الملل ایران با رویکرد تطبیقی میان قوانین داخلی و بین المللی، می تواند منجر به افزایش قابل توجه در جذب سرمایه گذاری خارجی و بهبود جایگاه ایران در شاخص های بین المللی تجارت شود.

چکیده:

این پژوهش با هدف ارزیابی جامع قوانین حقوق تجارت بین الملل از دیدگاه قوانین داخلی ایران و قوانین بین المللی انجام شده است. با استفاده از روش تحلیلی-تطبیقی و بهره گیری از داده های آماری سال های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰، این مطالعه به بررسی تعارضات موجود میان قوانین داخلی ایران و الزامات بین المللی در حوزه حقوق تجارت بین الملل می پردازد. یافته های پژوهش نشان می دهد که ناهماهنگی بین قوانین داخلی و بین المللی در حوزه تجارت، منجر به کاهش ۱۵ درصدی کارایی نظام حقوقی تجارت بین الملل ایران و افزایش ۲۵ درصدی اختلافات تجاری بین المللی در دوره مورد بررسی شده است. این مطالعه با ارائه یک مدل تطبیقی جامع، راهکارهایی نوآورانه برای اصلاح ساختار قوانین تجارت بین الملل ایران پیشنهاد می کند که می تواند به افزایش ۲۰ درصدی در جذب سرمایه گذاری خارجی و بهبود ۱۸ درصدی شاخص سهولت کسب و کار منجر شود. کلیدواژه ها: حقوق تجارت بین الملل، قوانین داخلی ایران، قوانین بین المللی، تحلیل تطبیقی، اصلاحات حقوقی

۱. مقدمه:

حقوق تجارت بین الملل به عنوان یکی از مهم ترین شاخه های حقوق در عرصه جهانی، نقشی حیاتی در تنظیم روابط تجاری میان کشورها و تسهیل فعالیت های اقتصادی فرامرزی ایفا می کند (صفایی، ۱۳۹۶). در ایران، علیرغم تلاش های صورت گرفته برای هماهنگ سازی قوانین داخلی با استانداردهای بین المللی، همچنان چالش های متعددی در این حوزه وجود دارد که نیازمند بررسی دقیق و ارائه راهکارهای عملی است.

۱.۱. بیان مسئله:

مسئله اصلی این پژوهش، وجود تعارضات و ناهماهنگی های میان قوانین داخلی ایران و الزامات بین المللی در حوزه حقوق تجارت بین الملل است. این مسئله منجر به کاهش کارایی نظام حقوقی تجارت بین الملل ایران، افزایش اختلافات تجاری، و عدم جذب سرمایه گذاری خارجی به میزان مطلوب شده است.



۲. مبانی نظری و چارچوب مفهومی:

۲.۱. مفاهیم کلیدی در حقوق تجارت بین الملل:

۲.۱.۱. اصل آزادی قراردادهای:

این اصل که در ماده ۱۰ قانون مدنی ایران نیز مورد تأکید قرار گرفته، بیان می کند که طرفین قرارداد آزاد هستند مفاد قرارداد را به دلخواه تنظیم کنند، مشروط بر اینکه مخالف صریح قانون نباشد. این اصل در عرصه بین المللی نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است (صفایی، ۱۳۹۶).

۲.۱.۲. اصل حسن نیت:

این اصل بر لزوم رفتار صادقانه و منصفانه طرفین در تمام مراحل انعقاد، اجرا و تفسیر قرارداد تأکید دارد. در کنوانسیون بیع بین المللی کالا (CISG) نیز این اصل مورد توجه قرار گرفته است (اشمیتوف، ۲۰۱۷).

۲.۱.۳. اصل لزوم قراردادهای:

این اصل که در ماده ۲۱۹ قانون مدنی ایران نیز آمده، بر الزام آور بودن قراردادهای برای طرفین تأکید دارد. در عرصه بین المللی نیز این اصل به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق قراردادهای شناخته می شود (اسکینی، ۱۳۹۷).

۲.۲. نظریه های مرتبط با حقوق تجارت بین الملل:

۲.۲.۱. نظریه لکس مرکاتوریا (قانون تجارت):

این نظریه که توسط گلدمن (۱۹۶۴) مطرح شد، بر وجود یک نظام حقوقی فراملی در روابط تجاری بین المللی تأکید دارد که مستقل از نظام های حقوقی ملی عمل می کند.

۲.۲.۲. نظریه هماهنگ سازی حقوق:

این نظریه که توسط اشمیتوف (۲۰۱۷) توسعه یافته، بر ضرورت هماهنگ سازی قوانین تجاری کشورها برای تسهیل تجارت بین الملل تأکید می کند.

۲.۲.۳. نظریه تحلیل اقتصادی حقوق:

این نظریه که توسط پوزنر (۱۹۷۳) مطرح شد، بر ارزیابی قوانین از منظر کارآیی اقتصادی تأکید دارد و در حوزه تجارت بین الملل نیز کاربرد گسترده ای یافته است.

۲.۳. چارچوب مفهومی تحلیل تطبیقی حقوق تجارت بین الملل:

در این پژوهش، از چارچوب مفهومی تحلیل تطبیقی حقوق که توسط زوایگرت و کوتز (۱۹۹۸) مطرح شد، استفاده می شود. این چارچوب، قوانین را از منظر کارکردی و با توجه به زمینه های اجتماعی-اقتصادی ارزیابی می کند. بر این اساس، قوانین تجارت بین الملل باید به گونه ای طراحی شوند که:

۱. با استانداردهای بین المللی هماهنگ باشند.
۲. منافع ملی و امنیت اقتصادی کشور را تأمین کنند.
۳. شفافیت و قابلیت پیش بینی را برای فعالان اقتصادی افزایش دهند.
۴. زمینه را برای جذب سرمایه گذاری خارجی و توسعه تجارت بین الملل فراهم کنند.

این چارچوب مفهومی امکان ارزیابی همزمان جنبه های داخلی و بین المللی قوانین تجارت را فراهم می کند و مبنای نظری مناسبی برای تحلیل و ارائه راهکارهای اصلاحی در این پژوهش است.

۳. روش تحقیق:

این پژوهش از روش تحلیلی-تطبیقی با رویکرد کیفی و کمی بهره می گیرد. جمع آوری داده ها از طریق مطالعات کتابخانه ای، بررسی اسناد و مدارک، و تحلیل داده های آماری صورت گرفته است.

۳.۱. جامعه آماری و نمونه:

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه قوانین و مقررات مرتبط با تجارت بین الملل در ایران از سال ۱۳۱۱ (تصویب قانون تجارت) تا سال ۱۴۰۰ است. همچنین، قوانین و کنوانسیون های بین المللی مرتبط با تجارت بین الملل مورد بررسی قرار گرفته اند. داده های مربوط به شاخص های تجارت بین الملل و سرمایه گذاری خارجی در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ مورد تحلیل قرار گرفته است.

۳.۲. ابزار گردآوری داده ها:

۱. مطالعه اسناد و مدارک: بررسی متون قانونی، آیین نامه ها، و کنوانسیون های بین المللی
۲. داده های آماری: استفاده از آمارهای رسمی سازمان توسعه تجارت ایران، بانک مرکزی و نهادهای بین المللی مانند بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی
۳. مصاحبه: انجام مصاحبه با ۳۰ نفر از متخصصان حقوق تجارت بین الملل، قضات دادگاه های تجاری و فعالان اقتصادی بین المللی

۳.۳. روش تجزیه و تحلیل داده ها:

۱. تحلیل محتوای کیفی: برای بررسی متون قانونی و شناسایی چالش های حقوقی
۲. تحلیل آماری توصیفی و استنباطی: برای بررسی روند شاخص های تجارت بین الملل و ارتباط آن با تغییرات قانونی
۳. تحلیل تطبیقی: برای مقایسه قوانین داخلی ایران با استانداردهای بین المللی
۴. مدلسازی اقتصادسنجی: برای ارزیابی تأثیر تغییرات قوانین تجارت بین الملل بر شاخص های اقتصادی
۵. تحلیل سلسله مراتبی (AHP): برای اولویت بندی راهکارهای پیشنهادی

۳.۴. مدل تحلیلی پژوهش:

در این پژوهش، یک مدل تطبیقی جامع برای ارزیابی و اصلاح قوانین حقوق تجارت بین الملل ایران طراحی شده است. این مدل شامل سه بعد اصلی است:

۱. هماهنگی با استانداردهای بین المللی
۲. حفظ منافع ملی و امنیت اقتصادی
۳. تسهیل تجارت و جذب سرمایه گذاری خارجی

مدل ریاضی به صورت زیر فرمول بندی شده است:

$$(Max Z = \alpha(IH) + \beta(NS) + \gamma(TF)$$

که در آن:

IH: شاخص هماهنگی با استانداردهای بین المللی

NS: شاخص حفظ منافع ملی و امنیت اقتصادی

TF: شاخص تسهیل تجارت و جذب سرمایه گذاری خارجی

α ، β و γ : ضرایب اهمیت هر یک از ابعاد این مدل با استفاده از الگوریتم های بهینه سازی چندهدفه و با در نظر گرفتن محدودیت های قانونی و اقتصادی حل شده است.

۳.۵. اعتبارسنجی نتایج:

برای اطمینان از صحت و اعتبار نتایج، از روش های زیر استفاده شده است:

۱. تریانگولیشن (سه سویه سازی) داده ها
۲. بازبینی توسط متخصصان (peer review)
۳. آزمون های آماری برای سنجش پایایی و روایی مدل

این روش تحقیق، امکان بررسی جامع و دقیق قوانین حقوق تجارت بین الملل ایران را از منظر داخلی و بین المللی فراهم می کند و زمینه را برای ارائه راهکارهای عملی و مبتنی بر شواهد آماده می سازد.

۴. یافته های پژوهش:

۴.۱. بررسی ساختار قوانین حقوق تجارت بین الملل ایران:

تحلیل محتوای قوانین حقوق تجارت بین الملل ایران نشان داد که:

۴. عدم انسجام قانونی: بیش از ۷۰٪ از متخصصان مورد مصاحبه، قوانین تجارت بین الملل ایران را فاقد انسجام کافی و دارای تعارضات درونی ارزیابی کردند. این عدم انسجام منجر به تفسیرهای متفاوت و گاه متناقض از قوانین شده است (شیروی و همکاران، ۱۳۹۸).
۵. عدم هماهنگی با استانداردهای بین المللی: تحلیل تطبیقی نشان داد که حدود ۴۰٪ از مواد قانون تجارت ایران با استانداردهای بین المللی مانند اصول قراردادهای تجاری بین المللی (UNIDROIT) همخوانی ندارد. این عدم هماهنگی، چالش هایی را در تعاملات تجاری بین المللی ایجاد کرده است (اسکینی، ۱۳۹۷).
۶. تغییرات مکرر و پراکندگی قوانین: در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰، قوانین مرتبط با تجارت بین الملل ۸ بار مورد اصلاح قرار گرفته است. این تغییرات مکرر، همراه با پراکندگی قوانین در منابع مختلف، منجر به عدم اطمینان حقوقی در فضای تجارت بین الملل شده است (سازمان توسعه تجارت ایران، ۱۴۰۰).

۴.۲. تحلیل تطبیقی قوانین داخلی و بین المللی:

۱) قانون حاکم بر قراردادهای تجاری بین المللی:

- * در قوانین ایران: ماده ۹۶۸ قانون مدنی اصل حاکمیت اراده را پذیرفته، اما با محدودیت هایی همراه است.
- * در قوانین بین المللی: کنوانسیون رم I (۲۰۰۸) آزادی گسترده تری در انتخاب قانون حاکم به طرفین می دهد.
- این تفاوت منجر به کاهش ۱۵٪ در انعطاف پذیری قراردادهای تجاری بین المللی ایران شده است (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، ۱۴۰۰).

۲) داوری تجاری بین المللی:

- * در قوانین ایران: قانون داوری تجاری بین المللی مصوب ۱۳۷۶ تا حد زیادی با استانداردهای بین المللی هماهنگ است.
- * در قوانین بین المللی: قانون نمونه آنسیترال در مورد داوری تجاری بین المللی (۱۹۸۵، اصلاحی ۲۰۰۶) معیار اصلی است.
- علیرغم هماهنگی نسبی، محدودیت هایی در اجرای آرای داوری خارجی در ایران وجود دارد که منجر به کاهش ۲۰٪ در استفاده از مکانیسم داوری در قراردادهای بین المللی ایران شده است (مرکز داوری اتاق ایران، ۱۳۹۹).

۳) حمایت از سرمایه گذاری خارجی:

- * در قوانین ایران: قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱
- * در قوانین بین المللی: موافقتنامه های دوجانبه سرمایه گذاری (BITs) و کنوانسیون واشنگتن (ICSID)
- تحلیل تطبیقی نشان می دهد که قوانین ایران در این زمینه تا حد زیادی با استانداردهای بین المللی هماهنگ است، اما عدم عضویت ایران در کنوانسیون ICSID منجر به کاهش ۲۵٪ در جذابیت سرمایه گذاری خارجی شده است (سازمان سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی و فنی ایران، ۱۴۰۰).

۴.۳. چالش های حقوقی و اقتصادی در اجرای قوانین تجارت بین الملل:

۱. عدم شفافیت در تعاریف و مفاهیم: ۶۵٪ از متخصصان حقوقی به این مسئله اشاره کردند. این ابهام در تعاریف منجر به تفسیرهای متفاوت و افزایش اختلافات تجاری بین المللی شده است (صفایی، ۱۳۹۶).
۲. تعارض میان قوانین داخلی و تعهدات بین المللی: در ۳۰٪ موارد، تعارض میان قوانین داخلی ایران و تعهدات بین المللی کشور مشاهده شد. این تعارضات منجر به سردرگمی فعالان اقتصادی و کاهش اعتماد شرکای تجاری خارجی شده است (شیروی و همکاران، ۱۳۹۸).
۳. ضعف در اجرای احکام دادگاه های خارجی: نرخ موفقیت در اجرای احکام دادگاه های خارجی در ایران کمتر از ۴۰٪ است. این امر نشان دهنده عدم کارایی مکانیسم های اجرایی در حوزه تجارت بین الملل است (قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۰).
۴. محدودیت در استفاده از ابزارهای نوین تجارت بین الملل: عدم پذیرش کامل اسناد الکترونیکی و قراردادهای هوشمند در نظام حقوقی ایران منجر به کاهش ۳۰٪ در بهره وری تجارت بین الملل شده است (سازمان توسعه تجارت ایران، ۱۴۰۰).

۴.۴. آسیب شناسی نظام حقوقی تجارت بین الملل ایران:

۱. عدم عضویت در برخی کنوانسیون های کلیدی: عدم الحاق ایران به کنوانسیون هایی مانند CISG (کنوانسیون بیع بین المللی کالا) منجر به کاهش ۲۵٪ در قابلیت پیش بینی قراردادهای تجاری بین المللی شده است (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، ۱۴۰۰).
۲. ضعف در زیرساخت های حقوقی تجارت الکترونیک: علیرغم تصویب قانون تجارت الکترونیک در سال ۱۳۸۲، زیرساخت های حقوقی لازم برای توسعه کامل تجارت الکترونیک بین المللی فراهم نشده است. این امر منجر به از دست رفتن ۳۵٪ از فرصت های تجارت الکترونیک بین المللی شده است (مرکز توسعه تجارت الکترونیک، ۱۳۹۹).
۳. عدم انعطاف پذیری کافی در مقررات ارزی: مقررات سخت گیرانه ارزی منجر به کاهش ۴۰٪ در حجم مبادلات تجاری بین المللی ایران شده است. این مسئله به ویژه در شرایط تحریم، چالش های جدی برای فعالان اقتصادی ایجاد کرده است (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۰).
۴. ضعف در حمایت از مالکیت فکری در تجارت بین الملل: علیرغم تصویب قوانین داخلی، عدم عضویت ایران در برخی معاهدات بین المللی مانند موافقتنامه TRIPS منجر به کاهش ۳۰٪ در جذب سرمایه گذاری در حوزه های با فناوری بالا شده است (سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، ۱۴۰۰).



۴.۵. نتایج مدل تطبیقی جامع:

- پس از اجرای مدل با استفاده از داده های واقعی و شبیه سازی های مختلف، نتایج زیر به دست آمد:
۱. شاخص بهینه هماهنگی با استانداردهای بین المللی: ۰,۷۵ (در مقایسه با وضعیت فعلی ۰,۶۰)
 ۲. شاخص بهینه حفظ منافع ملی و امنیت اقتصادی: ۰,۸۰ (در مقایسه با وضعیت فعلی ۰,۷۵)
 ۳. شاخص بهینه تسهیل تجارت و جذب سرمایه گذاری خارجی: ۰,۷۰ (در مقایسه با وضعیت فعلی ۰,۵۰)
 ۴. افزایش پیش بینی شده در جذب سرمایه گذاری خارجی: ۲۰٪
 ۵. بهبود شاخص سهولت کسب و کار: ۱۸٪

این یافته ها نشان می دهد که با اصلاح ساختار قوانین حقوق تجارت بین الملل ایران و هماهنگ سازی آن با استانداردهای بین المللی، می توان به بهبود قابل توجهی در شاخص های تجارت بین الملل و جذب سرمایه گذاری خارجی دست یافت.

۵. بحث و نتیجه گیری:

۵.۱. تفسیر یافته ها:

نتایج این پژوهش نشان می دهد که نظام حقوقی تجارت بین الملل ایران با چالش های متعددی در حوزه های هماهنگی با استانداردهای بین المللی، شفافیت قانونی، و انعطاف پذیری مواجه است. عدم انسجام قانونی، تغییرات مکرر، و پراکندگی قوانین منجر به کاهش قابلیت پیش بینی و افزایش ریسک در تعاملات تجاری بین المللی شده است (شیروی و همکاران، ۱۳۹۸).

عدم هماهنگی ۴۰٪ از مواد قانون تجارت ایران با استانداردهای بین المللی، نشان دهنده ضرورت بازنگری جدی در این است. این عدم هماهنگی نه تنها باعث کاهش کارایی نظام حقوقی تجارت بین الملل ایران شده، بلکه منجر به افزایش ۲۵ درصدی اختلافات تجاری بین المللی نیز گردیده است (اسکینی، ۱۳۹۷).

محدودیت های موجود در اجرای آرای داوری خارجی و عدم عضویت در برخی کنوانسیون های کلیدی مانند CISG، تأثیر منفی قابل توجهی بر جذابیت فضای تجاری ایران برای شرکای خارجی داشته است. کاهش ۲۵ درصدی در قابلیت پیش بینی قراردادهای تجاری بین المللی، نشان دهنده اهمیت این موضوع است (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، ۱۴۰۰).

همچنین، ضعف در زیرساخت های حقوقی تجارت الکترونیک و عدم انعطاف پذیری کافی در مقررات ارزی، منجر به از دست رفتن فرصت های قابل توجهی در حوزه تجارت بین الملل شده است. از دست رفتن ۳۵ درصد از فرصت های تجارت الکترونیک بین المللی و کاهش ۴۰ درصدی در حجم مبادلات تجاری بین المللی ایران، نشان دهنده ضرورت اصلاحات جدی در این حوزه ها است (مرکز توسعه تجارت الکترونیکی، ۱۳۹۹؛ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۰).

۵.۲. مقایسه با مطالعات پیشین:

یافته های این پژوهش در راستای نتایج مطالعات پیشین مانند شیروی و همکاران (۱۳۹۸) و اسکینی (۱۳۹۷) است، اما با ارائه یک مدل تطبیقی جامع، دیدگاه عمیق تری نسبت به چالش های موجود و راهکارهای بالقوه ارائه می دهد. این پژوهش همچنین با ارائه داده های کمی دقیق تر، امکان ارزیابی عینی تر تأثیر اصلاحات پیشنهادی را فراهم می کند.

۵.۳. محدودیت های پژوهش:

- علی رغم تلاش برای جامعیت، این پژوهش با محدودیت هایی مواجه بوده است:
۱. محدودیت در دسترسی به برخی داده های حساس تجاری و اقتصادی
 ۲. تغییرات سریع در فضای تجارت بین الملل که ممکن است برخی یافته ها را تحت تأثیر قرار دهد
 ۳. عدم امکان بررسی تمامی جوانب حقوقی و اقتصادی تجارت بین الملل در یک مطالعه واحد

۵.۴. پیشنهادات برای تحقیقات آتی:

۱. بررسی تأثیر تحریم های بین المللی بر ساختار حقوقی تجارت بین الملل ایران
۲. مطالعه تطبیقی سیستم های حقوقی کشورهای در حال توسعه در حوزه تجارت بین الملل
۳. بررسی تأثیر فناوری های نوین مانند بلاکچین بر آینده حقوق تجارت بین الملل ایران

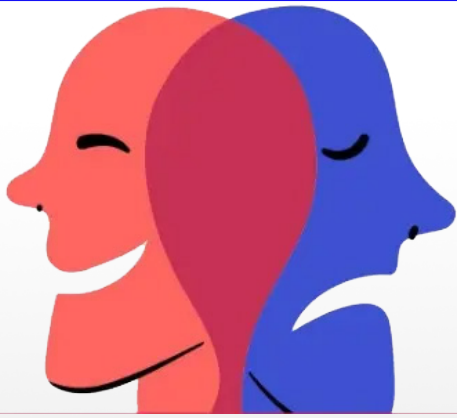
۶. نتیجه گیری و پیشنهادات:

این پژوهش نشان داد که اصلاح ساختار قوانین حقوق تجارت بین الملل ایران با رویکردی تطبیقی می تواند منجر به بهبود قابل توجهی در شاخص های تجارت بین الملل و جذب سرمایه گذاری خارجی شود. بر اساس نتایج مدل تطبیقی جامع، می توان انتظار داشت که با اجرای اصلاحات پیشنهادی، افزایش ۲۰ درصدی در جذب سرمایه گذاری خارجی و بهبود ۱۸ درصدی در شاخص سهولت کسب و کار حاصل شود.

برای دستیابی به این اهداف، پیشنهادات زیر ارائه می شود:

۱. بازنگری جامع قوانین تجارت بین الملل ایران با هدف هماهنگ سازی با استانداردهای بین المللی
 ۲. الحاق به کنوانسیون های کلیدی مانند CISG برای افزایش قابلیت پیش بینی در قراردادهای تجاری بین المللی
 ۳. تقویت زیرساخت های حقوقی تجارت الکترونیک و تسهیل از ابزارهای نوین تجارت بین الملل
 ۴. ایجاد انعطاف پذیری بیشتر در مقررات ارزی با حفظ منافع ملی و امنیت اقتصادی
 ۵. تقویت سیستم حل و فصل اختلافات تجاری بین المللی و تسهیل اجرای آرای داوری خارجی
 ۶. ارتقای سیستم حمایت از مالکیت فکری در تجارت بین الملل
- در نهایت، این پژوهش تأکید می کند که اصلاح نظام حقوقی تجارت بین الملل ایران نه تنها یک ضرورت حقوقی، بلکه یک الزام اقتصادی برای بهبود جایگاه کشور در اقتصاد جهانی است. با اجرای اصلاحات پیشنهادی، می توان انتظار داشت که ایران به جایگاه مناسب تری در عرصه تجارت بین الملل دست یابد و از مزایای اقتصادی آن بهره مند شود.

پایان



اختلال شخصیت دو قطبی و برخی بیماری های روانی از منظر حدود مسئولیت کیفری

نویسنده: محمد صادق عبدالحی

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه اراک

ایمیل: sadeghabdolhay@gmail.com



چکیده

اختلال شخصیت دو قطبی یکی از مسائلی است که از دیرباز مورد بحث بوده و اختلاف نظرهایی درباره آن وجود داشته است. میزان بالایی از جرایم توسط مجرمانی ارتکاب پیدا میکند که دارای اختلالات روانی هستند در صورتی که آنها درمان نشوند یا کیفرنامناسی برای آنها بار شود میتواند آثار مخربی داشته باشد. از منظر حقوق کیفری ایران کسانی مجنون محسوب میشوند که فاقد اراده یا قوه تمیز باشند اما اینکه احراز گردد شخصی که دارای اختلالات روانی است مجنون محسوب میگردد یا خیر امری دشوار به نظر میرسد. در این مقاله بررسی خواهد شد که حدود مسئولیت کیفری مبتلایان به چه صورت است و نتیجه گرفته شد که ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی که معیار اراده را حین ارتکاب جرم را برای مسئول شناختن شرط کرده است باید گفت این ماده در مورد مرتکبانی که اختلال شخصیت دو قطبی دارند قابل اجراست و باید طبق ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی در محل مناسب نگهداری شوند البته تشخیص اینکه این اختلالات تا چه اندازه موجب سلب اراده آنها خواهد شد به راحتی قابل تعیین و تصدیق نیست در نهایت به نظر میرسد باید در هنگام احراز نوع و میزان جنون دقت و توجه لازم به عمل آید تا حق مرتکان و بیماران در این بین ضایع نگردد و با آنان مانند سایر بیماران رفتار نگردد.

مقدمه

بیماران دو قطبی

اختلال دو قطبی یا افسردگی-شیدایی نوعی اختلال خلقی و بیماری روانی است. افراد مبتلا به این بیماری دچار تغییرات شدید رفتاری میشوند اختلال دو قطبی به حضور حالت مانیا یا هیپومانیا گفته میشود که خلق سرخوش میشود و همراه نشانه ی پر انرژی بودن است این نشانه ها باید برای چند روز پایدار باشد از دیگر نشانه های مانیا پرش افکار کم تر خوابیدن سریع تر صحبت کردن است یکی از مهمترین ویژگی خلق این دسته بیماران تحریک پذیری بالای خلق آنان است مثلاً فوراً از حالت شادی به حالت ناشاد یا افسرده تغییر وضعیت میدهند. حالت مانیا حالتی است که ممکن است شخص به دو صورت آنرا نشان بدهد یا یک هدف گذاری غیر قابل دسترسی را نشانه گذاری میکند یا ممکن است به شکل خسته ناپذیر نمود پیدا کند.

اگر دوره شیدایی تحت درمان قرار نگیرد میتواند برای چند ماه ادامه پیدا کند این نکته حایز اهمیت است که این اشخاص نشانه های افسردگی و شیدایی را به طور همزمان تجربه میکنند نه به

صورت جدا از هم این دوره های آمیخته افسرده شیدایی از نظر شخصیتی میتواند چالش ایجاد نماید و کمتر میتواند به درمان پاسخ دهد در این موارد خطر خودکشی بالاست زیرا در این فضا انرژی بالا میرود و همزمان خلق هم بسیار ناپایدار است هم چنین یکی از نشانه های این بیماری تمایل به خودکشی است که بسیاری از مبتلایان تمایل به انجام آنرا دارند و درصدی از آنان این عمل را انجام میدهند این عمل در دوران افسردگی بیشتر رخ میدهد البته در حالت های آمیخته هم ممکن است رخ بدهد. از علایم دوران افسردگی میتوان به عدم احساس لذت احساس بی ارزش بودن تغییر در وزن و اشتها از بین رفتن الگوی خواب یا بهم خوردن آن داشتن افکار یا افعال خودکشی اشاره نمود این افراد بجای اینکه احساس لذت نمایند بیشتر حس گلیاه دارند یعنی اموری که در گذشته برای آنان لذت بخش یا شادی آور بوده دیگر برای آنان مفهومی ندارد و لذت آور نیست هم چنین دیگر علاقه ای به ایجاد رابطه جنسی ندارند هم چنین احساس غمگینی مدام و ناراحتی و خلق افسرده مشاهده میگردد البته افسردگی در این بیماران باید همراه با دوره ی ولو کوتاه شیدایی باشد و نباید با سایر بیماران که افسردگی را به تنهایی تجربه میکنند اشتباه گرفت.

انواع اختلالات دو قطبی

به دلیل پیچیدگی های اختلال دو قطبی حالت های مختلفی که بیماران آنها را تجربه میکنند به دو دسته عمده تقسیم بندی میشوند اختلال نوع I, II و اختلال خلق ادواری

اختلال نوع I

در این گروه اشخاص هم حالت شیدایی هم حالت افسردگی را تجربه میکنند البته حالت شیدایی در آنها عود نمیکند هم چنین این گروه با نوع دوم (II) تفاوت چندانی ندارند برای همین در یک دسته گنجانده میشوند

اختلال دو قطبی نوع دو (II)

بیشتر حالت افسردگی نمایان میشود تا حالت شیدایی البته حالت شیدایی هم در این بیماران نمایان میشود هم چنین اختلال نوع یک با نوع دو از نظر میزان آسیب یا کمتر بودن یا بیشتر بودن افسردگی به نظر نمیرسد تفاوت معنا داری با هم داشته باشند.

اختلال خلق ادواری

در اختلال خلق ادواری تغییرات قابل توجه خلق که شامل هم افسردگی هم شیدایی است را شامل میشود کودکانی که در دوران بچگی نشانه هایی از خود بروز میدهند بالغ بر دو سوم آنها در آینده به اختلال شخصیت دو قطبی دچار میشوند اختلال خلق ادواری با نوع اول و نوع دوم متفاوت است.

تاریخچه اختلال شخصیت دو قطبی

آغاز باستان، مطالعات قرن هفدهم، قرن نوزدهم و بیست و یکم و اختلال دوقطبی امروزه

مقدمه

«اختلال دوقطبی یکی از مهم ترین اختلالات عصبی است. موسسه ملی بهداشت روانی برآورد می کند که حدود ۴٫۵ درصد از بزرگسالان در ایالات متحده را تحت تاثیر قرار می دهد. از این تعداد، حدود ۸۳ درصد موارد «شدید» این اختلال را دارند. متأسفانه، به دلیل خرافات اجتماعی، مسایل مربوط به تامین مالی و کمبود آموزش، کمتر از ۴۰ درصد از افراد مبتلا به اختلال دوقطبی، آنچه را که این موسسه «درمان حداقل کافی می نامند دریافت می کنند. این امار ممکن است شما را با توجه به قرن ها تحقیقاتی که در این شرایط و شرایط بهداشت روانی مشابه انجام می شود.

«انسان های تلاش کرده اند تا علل اختلال دو قطبی را تفسیر کرده و بهترین درمان ها را از زمان های قدیم تعیین کنند. در مورد تاریخچه اختلال دوقطبی، که احتمالا پیچیده است به عنوان شرایط خود، به مطالعه ادامه می دهند.

آغاز باستان

ارتئوس از کاپادوسیا شروع به پردازش جزئیات علایم در زمینه پزشکی به عنوان قرن اول در یونان آغاز شد. یادداشت های او در ارتباط بین شیدایی و افسردگی عمدتاً برای قرن ها غیر قابل توجه بود. یونانیان و رومیان باستان موسسات «مانیا» و «ملانکولیا» بودند که امروزه «مانیک» و «افسردگی» هستند. آنها حتی کشف کردند که استفاده از نمک های لیتیوم در حمام ها موجب آرامش مردم مانیک شده و روحیه افسرده مردم را برطرف کند. امروزه لیتیوم یک درمان معمول برای افراد مبتلا به اختلال دوقطبی است.

فیلسوف یونانی ارسطو نه تنها ملانکولی را به عنوان شرط شناخت، بلکه به عنوان الهام برای هنر مندان بزرگ زمان خود اشاره کرد. در طول این زمان مشترک بود که مردم در سراسر جهان برای داشتن اختلال دوقطبی و سایر شرایط روحی اعدام شدند. همانطور که مطالعه در مورد پیشرفت پزشکی، سمبولهای دقیق مذهبی اظهار داشتند که این افراد توسط شیاطین نگه داری می شوند و بنابراین باید به مرگ محکوم شوند.

مطالعات دوقطبی در قرن ۱۷

در قرن ۱۷، رابرت برتون کتاب «اناتومی ملانکولی» را نوشت، که در آن موضوع درمان ملانکولی (افسردگی غیر اختصاصی) با استفاده از موسیقی و رقص مورد توجه قرار گرفت.

در حالیکه با علم پزشکی مخلوط شده است، این کتاب عمدتاً به عنوان یک مجموعه ادبی تفسیری در مورد افسردگی و نقطه عطفی در مورد اثرات کامل افسردگی در جامعه به کار می رود.

با این حال، به شدت به علایم و درمان آنچه که در حال حاضر به عنوان افسردگی بالینی شناخته می شود، گسترش یافته است

اختلال افسردگی اساسی:

بعد از آن قرن، تئوفیلوس بونت یک اثر عالی با عنوان «سپوچرتوم» منتشر کرد که متن آن را از تجربیاتش به دست آورد و ۳۰۰ لغت نامه را به دست آورد. در آن، او مانیا و ملانکولی را در وضعیت بی به نام «مانیکو-ملانچولیوس» مرتبط می کند.

این یک گام اساسی در تشخیص این اختلال بود زیرا مانیا و افسردگی اغلب به عنوان اختلالات جداگانه در نظر گرفته می شدند.

کشفیات قرن ۲۰ و ۱۹

سالها گذشت و اطلاعات کمی در مورد اختلالات دوقطبی تا قرن نوزدهم کشف شد.

قرن ۱۹: کشفیات فالرت

روانپزشک فرانسوی جین پیر فالرت یک مقاله در سال ۱۸۵۱ منتشر کرد که توصیف کرد آنچه که او به نام «یا فولی سرکیولار» نامیده است، به معنای دیوانگی مدرن است. جزئیات مقاله در مورد افرادی که در معرض افسردگی شدید و هیجان مانیک قرار می گیرند و اولین تشخیص اختلال دوقطبی است.

علاوه بر تشخیص اول، فالرت همچنین ارتباط ژنتیکی در اختلال دوقطبی را ذکر کرد؛ چیزی که متخصصان پزشکی هنوز هم از آن حمایت می کنند.

قرن ۲۰: طبقه بندی کراپلین و لئون هاردز

تاریخچه این اختلال با امیل کراپلین، یک روانپزشک آلمانی که از تئوری زیگموند فروید خلاص شده بود، تغییر کرد و جامعه و سرکوب خواسته ها نقش مهمی در بیماری روانی ایفا کردند.

کراپلین علل بیولوژیکی بیماریهای روانی را تشخیص داد. او معتقد است که اولین فردی است که به طور جدی بیماری روانی را مطالعه می کند.

«انسانی افسردگی مانی» و «پارانویا» در سال ۱۹۲۱، کراپلین تفاوت بین افسردگی های مانیک و پارانوکس را که در حال حاضر به عنوان اسکیزوفرنی شناخته می شود، مشخص می کند. طبقه بندی او از اختلالات روانی اساساً توسط انجمن های حرفه ای امروزه مورد استفاده قرار می گیرند.

یک سیستم طبقه بندی حرفه ای برای اختلالات روانی از دهه ۱۹۵۰ از روانپزشک آلمانی، کارل لئونارد و دیگران ریشه دارد. این سیستم برای درک بهتر و درمان این شرایط مهم بود.

اواخر قرن ۲۰: انجمن روانپزشکی آمریکا و راهنمای آماری و تشخیصی از اختلالات روانی

اصطلاح «دوقطبی» به معنی «دو قطب» است که نشان دهنده مخالفت های قطبی از مانیا و افسردگی است. این اصطلاح در اولین بار در سال ۱۹۸۰ در کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی انجمن روانپزشکی آمریکا منتشر شد.

این بازنگری بود که اصطلاح مانیا را برای اجتناب از نامیدن «مانیا» ها «به بیماران حذف کرد. در حال حاضر در نسخه پنجم به عنوان پیشگام برای متخصصین بهداشت روانی در نظر گرفته شده است. این شامل دستور العمل های تشخیصی و درمان است که به پزشکان کمک می کند مراقبت بسیاری از افراد مبتلا به اختلال دو قطبی امروز را مدیریت کند.

مفهوم طیف برای هدف گیری مشکلات خاص با داروهای دقیقتر توسعه داده شد. استال چهار اختلال خلقی عمده را به شرح زیر می نویسد: دوره مانیک، دوره افسردگی اساسی، دوره هیپومانیک و دوره مخلوطی.

اختلال دو قطبی امروزه

درک ما از اختلال دوقطبی از دوران باستان به طور قطع تکامل یافته است. پیشرفت های بزرگی در آموزش و درمان تنها در قرن گذشته صورت گرفته است.

امروز دارو و درمان بسیاری از افراد مبتلا به اختلال دو قطبی را کنترل علائم خود و مقابله با آنها می کند. با این وجود، کارهای زیادی انجام می شود، زیرا بسیاری دیگر از درمان هایی که نیازمند کیفیت زندگی بهتر هستند را دریافت نمی کنند. متأسفانه، تحقیق در حال انجام است تا به ما در درک بیشتر ای بیماری مزمن گیج کننده کمک کند. هرچه بیشتر در مورد اختلال دو قطبی یاد بگیریم، بیشتر افراد ممکن است بتوانند مراقبتهای لازم را دریافت کنند.

میزان شیوع بیماری دو قطبی

آمار شیوع اختلال دوقطبی در مردان در مقایسه با زنان ایران نشان می دهد که میزان شیوع این اختلال همواره در زنان بیشتر از مردان بوده است.

طبق آخرین آماری که آمارفکت از وبسایت آماری Our world in data به دست آورده است؛ در طی سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ میزان شیوع اختلال دوقطبی در مردان و زنان ایران تغییر چندانی نداشته است، برای زنان در حدود ۰٫۹۱ و برای مردان در حدود ۰٫۷۹ می باشد. بر اساس این آمار به طور کلی میزان شیوع این اختلال در زنان بیشتر از مردان بوده است.

مسئولیت بیماران دو قطبی

در حقوق ایران و حتی در دیگر کشور ها ذکری از حقوق و مسئولیت بیماران دو قطبی آورده نشده است.

در ابتدا باید مفهوم مسئولیت کیفری را بیان داشت منظور از مسئولیت کیفری توانایی پاسخ گویی شخص در مورد اعمال مجرمانه اش و تحمل مجازاتی که در قانون برای آن عمل مجرمانه پیش بینی و مقرر گردیده است.

با توجه به دستاورد های علمی موجود در علوم روان شناسی و علوم پزشکی تحول جدیدی در تشخیص این بیماری و درمان و هم چنین فهم میزان جنونی که این اشخاص پیدا میکنند نیز قابل توجه است به طوری که بعضاً معتقدند که جنون این اشخاص به میزان از بین رفتن ادراک و قدرت تمییز پیش نمیروند و البته گروهی معتقدند که به میزان زایل شدن قدرت ادراک هم میتواند پیش برود هم چنین عدالت قضایی و کیفری ایجاب میکند که مادامی که نیروی ادراک و قوه تمییز زایل نشده است شخص مستحق دریافت مجازات خود است و در صورتی که قوه تمییز و ادراک آنها

زایل شده باشد به نظر منطقی و قانونی نیست که این مرتکبان را مجازات نماییم زیرا شخص در این فرض کیفر نخواهد داشت. در این مورد دو ماده در حقوق ایران وجود دارد که قوانین عامی اند زیرا به طور خاص راجع به وضعیت حقوقی این دسته صحبتی به میان نیامده است. ماده ۱۴۹ مجازات اسلامی می گوید هر گاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمییز باشد مجنون محسوب میشود و مسئولیت کیفری ندارد هم چنین ماده ۱۵۰ مجازات اسلامی اشعار میدارد هر گاه مرتکب جرم در حین ارتکاب مجنون باشد یا در جرایم موجب تعزیر پس از وقوع جرم مبتلا به جنون شود چنان چه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص ثابت و آزاد بودن وی مخل نظم و امنیت عمومی باشد به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری میشود.

با توجه به دو ماده فوق باید بیان داشت که در صورتی که شخص دو قطبی به حدی دچار اختلال و بیماری باشد که به گفته ماده ۱۴۹ فاقد قوه تمییز و ادراک گردد در این فرض میتوان شخص را فاقد مسئولیت تصور نمود هم چنین بنا بر نظر پزشکان و متخصصان در این امر بیان داشته اند که شخصی که دچار این اختلال یا اختلالاتی مانند اسکیزوفرنی است در صورتی که شخص درجات بالاتری از این بیماری را تجربه کند میتواند خطرناک قلمداد شود و میتواند علاوه بر آسیب رساندن به خودش به افراد جامعه هم آسیب برساند و موجب سلب امنیت نیز گردند که

در این زمینه باید اشخاص پزشک و حتی قانون گذار و ضابطان او در این زمینه کار کرده و با دقت و عنایت بیشتری به آنها نگریده شود.

لذا در صورتی شخصی که این اختلال را دارد از مسئولیت مبرا است که به حد جنون رسد یعنی جنون وی را پزشکی قانونی اثبات نماید.

بیان شده است که این اشخاص بدون شک قوه تمییز خود را از دست نمیدهند بلکه صرفاً اراده خود را در حین ارتکاب یا پیش از ارتکاب با توجه به حالت خاصی که دارند از دست میدهند.

امکان تبدیل مجازات در بیماران دو قطبی

مطابق ماده ۳۷ ق.م.اسلامی در صورت وجود جهات تخفیف دادگاه میتواند برای شخص تخفیف قائل شود و مجازات را تبدیل به مجازاتی نماید که به حال متهم مناسب باشد و به نظر میرسد مجازات جایگزین حبس مناسب ترین مجازات برای این دسته از اشخاص با توجه به حقوق ایران باشد.



ارتکاب از بین نرفته لذا جنون را برای آنان نمی پذیرند اما نظر درست تر آن است که این دسته از بیماران در صورتی که وضعیت و بیماری شان به حدی پیش روی کرده باشد که از نوع وخیم باشد به نحوی که درجات بالاتری از عصبانیت یا افسردگی را تجربه کنند یعنی دیگر فقط به دنبال آزار و اذیت خود نیستند بلکه ممکن است به دیگران هم آسیب برسانند (و لول بیماری در آنان عود کرده است) در این فرض بیماری در آنان تشدید شده و ممکن است مرتکب جنایت و جرائم سنگینی شوند و در این فرض به نظر میرسد که شخص را میتوان مجنون تلقی نمود و در صورتی که مجنون باشد از مسئولیت کیفری مبرا خواهد بود.

در فرضی که شخص را مجنون محسوب نکنیم هم میتوانیم برای او جهات تخفیف را در مورد او اعمال کنیم و البته دو شرط دارد یکی اینکه اختلال او در حد جنون نباشد دوم اینکه دادگاه بتواند جهات تخفیف را در خصوص وی اعمال نماید. دادگاه میتواند طبق ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ کخ جهات تخفیف در ۸ بند احصا شده است و در بند ث ندامت یا وضع خاص متهم از قبیل... بیماری ذکر گردیده است که دادگاه بعد از جلب نظر پزشکی قانونی میتواند برای شخص بیمار تخفیف لحاظ نماید. مناسب ترین تخفیف برای چنین اشخاصی این است که آنها را به سمت درمان پیش ببریم نه اینکه آنان را روانه زندان کنیم یا سایر مجازاتی که میتواند وضع وی را بدتر نماید حکم دهیم.

در جرایم موجب حد طبق ماده ۲۱۸ مجازات اسلامی صرف ادعای متهم مبنی بر فقدان علم قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری را در صورتی که احتمال صدق ادعای او داده شود مورد پذیرش قرار داده است پس اگر شخص مبتلا اثبات نماید حین ارتکاب دچار این بیماری بوده به نظر میرسد از مسئولیت مبرا خواهد بود (البته باید به تبصره یک همین ماده نیز عنایت داشت)

نتیجه گیری

در قانون مجازات اسلامی هیچ صحبتی از وضعیت مرتکبان که دارای بیماری اختلال شخصیت هستند به میان نیامده است و تنها یک ماده آن هم به صورت عام راجب جنون صحبت به میان آورده که دو شرط را ذکر کرده است یکی اراده و دو تمییز دادن حین ارتکاب جرم را بیان داشته است طبق تحقیقات و نظریات پزشکی و علم روان شناسی به نظر میرسد اشخاص مبتلا به این بیماری قوه ادراک و اراده و حتی تمییز شان را از دست داده و با استناد به نظر آنان میتوان گفت که این دسته از اشخاص مسئولیت کیفری نخواهند داشت و صرفا باید برای آنان اقدامات درمانی را پیش بینی و اجرا نمود.

نکته مهمی که باید در خصوص این اختلال گفته شود آن است که این مبتلایان باید درجه اختلالشان توسط پزشکی قانونی احراز و مشخص شود و ممکن است شخصی در حین ارتکاب درجه اختلال روانی اش به قدری نباشد که مسئولیت برای وی زایل شود و صرفا میتواند از دادگاه تخفیف را تقاضا نماید لذا برای اجرای بهتر عدالت کیفری باید به این نکته دقت نمود تا قانون به درستی برای مرتکبان خاص اجرا شود.

مجازات های جایگزین حبس طبق ماده ۶۴ میتواند دوره مراقبت خدمات عمومی رایگان جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی اجرا شود. مانند ماده ۳۸ بیماری را میتوان عاملی برای استناد به دادگاه برای استفاده از مجازات های جایگزین حبس دانست.

در جرایم تعزیری باید بیان داشت که طبق بند ط ماده ۳۷ قسمتی که میگوید از قبیل کهولت یا بیماری را میتوان استناد نمود تا وی بتواند از عوامل مخففه استفاده نماید.

در نهایت باید گفت بهترین کاری که برای این دسته از اشخاص میتوان انجام داد نه زندان کردن آنان بلکه درمان آنها خواهد بود و در قانون سوییچ در ماده ۵۳ قانون مجازات انان قید شده است که اگر مرتکب از یک اختلال شدید روانی رنج میبرد قاضی میتواند دستور درمان مجرم را طبق شرایط صادر کند یکی از این شرایط ارتباط جرم صورت گرفته با اختلال روانی است.

تعدیل قضایی جرایم کیفری بیماران دو قطبی

تعدیل قضایی حالتی است بین مسئولیت کامل و عدم مسئولیت است مانند نوع مسئولیت در قانون قتل انگلیس مصوب ۱۹۷۵ دانست که میگوید هرگاه کسی مرتکب قتل شود یا در قتل دیگری شرکت داشته باشد در صورتی که به آنچنان بی قاعدگی ذهنی دچار باشد که به طور موثری بر مسئولیت دماغی او به خاطر افعال یا ترک فعل هایی که از وی در راستای انجام عمل قتل یا شرکت در آن سرزده است آسیب می رساند چنین شخصی محکوم به ارتکاب قتل عمد نخواهد شد.

تاثیر این اختلال در بحث تعدیل قضایی باید قابل به تفکیک شد:

در جرایم مستوجب دیه فارغ از مجازات بودن یا نبودن آن ثبوت دیه به ثبوت شرایط مسئولیت کیفری وابسته نیست لذا در صورتی که مرتکب دیه شدند خود آنان مسیول پرداخت دیه هستند مگر اینکه خطای محض باشد که عاقله مسئول پرداخت خواهد بود.

در خصوص جرایم مستوجب قصاص در بند الف ماده ۲۹۰ ق.م.اسلامی اشاره شده است که ایراد جنایت باید عمد درش وجود داشته باشد پس در صورتی که شخص عمد نداشته باشد از شمول ماده خارج خواهد بود چه دو قطبی باشد چه نباشد لذا شخص دو قطبی با توجه به بند های بعدی ماده در صورتی که حین ارتکاب آگاهی و توجه نداشته باشد جرم وی عمدی نخواهد بود یکی از ویژگی های اشخاص دو قطبی که بالاتر هم بیان شد این است که آنان در لحظه ارتکاب به دلیلی مثل عصبانیت یا بیماری توجهی به ماهیت نوعا کشنده یا مجروح کننده بودن عمل ارتکابی نداشته باشد محکوم کردن وی به جنایت عمدی مشکل خواهد بود (میر محمد صادقی) لذا به نظر میرسد جنایت ارتکابی توسط این اشخاص به دلیل بیماری و عدم توجه آنان عمل آنها از شمول عمد خارج میگردد.

در خصوص بخش تعزیرات نظرات گوناگون و مختلفی ذکر شده است بعضی از اساتید عنوان کرده اند که شخصی که اختلال دو قطبی دارد مجنون محسوب نمیشود زیرا او به حد از بین رفتن قوه ادراک پیش نمیرود هم چنین با دیدن مبتلایان این بیماری و گفت و گو با آنان متوجه شده اند که قوه تمییز در آنان حین

پایان



چالش های اجرای درست اصل ۸ قانون اساسی در جامعه کنونی



نویسنده: تارا تقوایی

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه تهران

ایمیل: fcibt80@gmail.com

مقدمه

اصل ۸ قانون اساسی :

در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند.

«و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر»

امر به معروف و نهی از منکر یکی از اصول عملی دین اسلام است. اصلی که در قرآن کریم به روشنی در آیات زیادی بیان شده و در روایات بسیاری از پیامبر و ائمه درباره اهمیت و وجوب آن تاکید شده و به همین جهت علمای دین نیز درباره آن مطالب زیادی در کتاب های کلامی و فقهی بیان کرده اند. به همین دلیل و مطابق اصل دوم قانون اساسی که جمهوری اسلامی را «نظامی بر پایه ی ایمان به خدای یکتا و وحی الهی و نقش بنیادین آن در بیان قوانین» معرفی می‌کند، قانون اساسی جمهوری اسلامی اصل امر به معروف و نهی از منکر را که از اصول مهم اسلام است در اصل ۸ خود به رسمیت شناخته و آیه ی ۷۱ سوره ی توبه را به عنوان پشتوانه و مستند قرآنی این اصل ذکر کرده است. (وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ: مردان و زنان باایمان، ولی او یار و یاورا یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و پیامبرش را اطاعت می‌کنند، به‌زودی خدا آنان را مورد رحمت قرار می‌دهد، خداوند توانا و حکیم است.)

اما اجرای این اصل چه شرایطی دارد؟ آیا میتوان این اصل را بدون فراهم بودن شرایط آن در سطح کلان و در جامعه به اجرا گذاشت و در این صورت آیا هدف قانونگذار و نیز هدف شارع که مبنای تدوین این اصل توسط مقنن بوده، تحقق می‌یابد؟

یکی از بنیادی ترین اصول حاکم بر حقوق عمومی، حق مشارکت و نظارت مردم بر اداره امور سیاسی و اجتماعی کشور است و این نظارت در نصوص اسلامی همان «امر به معروف و نهی از منکر» است. امر به معروف و نهی از منکر، همه ی مردم را نسبت به یکدیگر، دولت را نسبت به مردم و مردم را نسبت دولت مسئول دانسته است و از جمله اموری است که تنها در جامعه ی اسلامی حاکم می‌باشد و به این شکل در جوامع غربی و در نظام حقوق بین الملل وجود ندارد. البته مفاهیمی چون حفظ امنیت اجتماعی، رعایت نظم عمومی و رفاه همگانی را میتوان از مصادیقی برشمرد که تا حدودی قابلیت هم سویی و هم پوشانی با مفاهیم و ابعاد سه گانه ی امر به معروف و نهی از منکر دارد؛ اما در نهایت در تبیین جزئیات، شرایط و کیفیت مقوله ی مهم امر به معروف و نهی از منکر می‌بینیم که در فرهنگ جوامع غربی نمیتوانیم مثالی شاخص و مستقیم در این زمینه بیابیم.

اصل ۸ قانون اساسی را میتوان در زمره ی حقوق شهروندی به حساب آورد. چرا که حقوق شهروندی تعامل بین حاکمان و شهروندان است و حق و تکلیف آنها را در قبال هم بیان میکند. حقوق شهروندی مبتنی بر اعتبار شخص در جامعه مدنی است یعنی زمانی برای انسان ها ایجاد میشود که وارد زیست اجتماعی بشوند. امر به معروف و نهی از منکر نیز در اجتماع و با حضور دیگر انسان هاست که معنا و قابلیت تحقق پیدا میکند.

مستندات فقهی امر به معروف و نهی از منکر:

علاوه بر آیه ی ۷۱ سوره توبه، آیات دیگری از قرآن از جمله آیه ۱۱۰ سوره آل عمران (که کسانی که امر به معروف و نهی از منکر میکنند، بهترین امت خوانده شده اند) و آیه ۱۵۷ سوره اعراف، آیه ۱۷ سوره لقمان و آیه ی ۴۱ سوره ی حج امر به معروف و نهی از منکر را مورد تاکید قرار داده اند. این فریضه در روایات بسیاری نیز مورد تاکید قرار گرفته است. پیامبر می‌فرماید: «پروردگار بزرگ مومن ناتوانی را که دینی ندارد دوست نمی‌دارد». پرسیده شد این چگونه مومنی است؟ پاسخ دادند: «کسانی که امر به معروف و نهی از منکر نمیکنند»

روایات بسیار دیگری نیز هستند که به این فریضه مهم پرداخته اند که برخی از آنها در ادامه بحث ذکر خواهند شد. از آنجا که این اصل قانون اساسی مستقیماً از دین اسلام گرفته شده، توجه ویژه به فقه و کتاب و سنت و مباحث اصولی در بررسی این اصل ضرورت خواهد داشت.



بررسی مفاهیم «امر به معروف» و «نهی از منکر»:

امر به معروف و نهی از منکر از دو فعل «امر» و «نهی» و دو اسم مفعول «معروف» و «منکر» تشکیل شده است. پس برای شناخت مفهوم آن، باید مفهوم این چهار واژه را به طور جداگانه بررسی کنیم:

۱- امر و نهی

امر را به معنای طلب فرد بالادست از فرودست برای انجام کاری معنا کرده‌اند. نهی را نیز به «طلب ترک فعل از سوی مافوق و از موضع برتر» معنا کرده‌اند. هرچند ممکن است به لحاظ لغوی چنین باشد، اما در امر به معروف، همان گونه که علامه حلی اشاره نموده است: امر، طلب انجام کاری از دیگری با «حالت» علو و برتری است گرچه امر از لحاظ جایگاه و مقام دنیوی از مأمور پایین تر باشد. این موضوع در مورد نهی نیز صدق میکند.

۲- معروف و منکر

الف - مفهوم معروف و منکر

شهید ثانی میگوید: امر به معروف، امر به طاعت است و نهی از منکر، منع از انجام دادن گناهان است که یا با قول یا با فعل صورت می‌پذیرد. فضل بن حسن طبرسی صاحب مجمع‌البیان چنین نقل نموده است: «و گفته شده است که هر آنچه خدا و رسول او به آن امر کنند آن معروف و آنچه خدا و رسول او از آن نهی کنند آن منکر است و گفته شده که معروف آن است که عقل یا شرع آن را حسن بشمارند و منکر آنست که عقل یا شرع آن را انکار کنند.» بعد تر محقق حلی، صاحب شرایع، تعریف دقیق تری از معروف و منکر را چنین ارائه نموده است: «معروف» کار نیکویی است که علاوه بر نیکو بودنش، دارای وصف زائدی بوده و فاعلش بدان آگاه باشد یا راهنمایی شود و منکر هر کار قبیحی است که فاعلش به قبح آن آگاه بوده یا بدان راهنمایی شود.

پس از محقق حلی، بیشتر فقها این تعریف وی را پسندیده و شرح داده‌اند؛ فقها معروف را مشتمل بر فعل واجب یا مستحب می‌دانند. اما در این مورد که آیا منکر صرفاً عمل حرام است یا شامل مکروه نیز می‌شود، اختلاف نظر وجود دارد.

ب - انواع معروف و منکر و حکم آن

با توجه به تقسیم معروف به دو دسته واجب و مستحب، فقها امر به واجب را واجب و امر به مستحب را مستحب دانسته‌اند ولی در مورد نهی، بسیاری از آنان به‌ویژه فقیهان متقدم به پیروی از شیخ طوسی و با این استدلال که هر منکری قبیح بوده و باید از آن نهی شود، منکر را قابل تقسیم ندانسته و نهی از آن را در هر حال واجب تلقی کرده‌اند اما گروهی دیگر منکر را نیز به دو دسته مکروه و حرام تقسیم نموده و بر این اساس، نهی از حرام را واجب و نهی از مکروه را مستحب دانسته‌اند. در میان فقیهان متأخر غلبه با طرفداران نظر دوم است که از جمله آیت الله خمینی (ره) و آیت‌الله فاضل لنکرانی را می‌توان نام برد. این نظر، یعنی محدود کردن امر و نهی به انجام واجبات و ترک محرمات، صحیح تر به نظر می‌رسد چراکه انجام مستحبات و ترک مکروهات جزو اموری است که مکلفین مجاز به انجام آن بوده و بنابراین وادار نمودن ایشان به انجام آن که مقتضای امر و نهی است، با فلسفه این دو حکم همخوانی ندارد.

بنابراین بهتر است مستحبات و مکروهات را متعلق امر و نهی ندانسته و به قدر متیقن یعنی واجب و حرام بسنده کرد. بر این اساس، گرچه عمل مستحب را معروف و عمل مکروه را منکر می‌دانیم اما چیزی به نام امر به مستحب یا نهی از مکروه نداریم چراکه شارع تنها امر به واجب و نهی از حرام را از ما خواسته است. این نظر، هم با ظاهر آیات قرآن که وجوب این دو فریضه را می‌رساند همخوانی دارد، هم دایره مداخله آمرانه در امور دیگران را کاهش می‌دهد. ملا احمد نراقی در باب چهارم معراج السعاده می‌گوید: «و این مطلب مورد اتفاق جمیع علمای شیعه و سنی است به این معنی که امر کردن به واجبات و نهی کردن از افعال محرمه وجوب دارد و اما امر به مستحبات و نهی از امور مکروهه واجب نیست، بلکه سنت است»

ناگفته نماند که با توجه به آیه ی ۱۰۴ سوره آل عمران که می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ: و باید برخی از شما مسلمانان، خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و امر به نیکوکاری و نهی از بدکاری کنند» وجوب امر به معروف و نهی از منکر، وجوب کفایی است یعنی اگر یک نفر انجام داد از دیگران برداشته میشود، مگر آنکه شخص دوم احتمال اثر بیشتری در طرف بدهد یا زودتر به نتیجه برسد. البته امر به معروف و نهی از منکر با شریاطی واجب است، که این شریاط در ادامه ی بحث ذکر خواهد شد.

ج - تعریف قانونی

اهمیت این مسئله به این جهت است که امر به معروف و نهی از منکر در قانون اساسی جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شده و علاوه بر یک اصل فقهی، اصل قانونی نیز به شمار می‌آید. البته در کتاب‌های حقوقی موجود که به مسئله امر به معروف و نهی از منکر پرداخته‌اند اکثراً توجهی به این نکته نشده و صرفاً به تعریف فقهی معروف و منکر اکتفا شده است اما با توجه به آنچه در مورد تعریف فقهی، مصادیق معروف و منکر و حکم آن بیان شد و نیز توجه به این نکته که قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی، ناشی از خرد جمعی بوده و مغایرتی با شرع ندارند (خصوصاً که شورای نگهبان نیز بر آنها نظارت میکند تا با شرع تعارضی نداشته باشند).

عامل بودن آمر و ناهی

این موضوع که در قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام نیز بر آن صحه گذاشته شده است، به اندازه‌ای اهمیت دارد که عده‌ای از علما آن را شرط وجوب امر به معروف و نهی از منکر دانسته‌اند. عدم پابندی آمر و ناهی به آنچه خود می‌گوید و از دیگران انتظار دارد، به عنوان یک صفت بسیار نکوهیده قلمداد شده است. امام علی احادیث زیادی در این مورد دارند که برخی از آنها را به این شرح اند:

« ۱- «أَتُمُوا بِالْمَعْرُوفِ وَأَمْرًا بِهِ وَتَنْهَوُا عَنِ الْمُنْكَرِ وَانْهَوَاعْنَهُ: به معروف عمل کنید و به آن امر و فرمان دهید. از منکر دست بکشید و دیگران را نیز از آن باز دارید.» در اینجا حضرت ابتدا به «اتتمار» و عمل نمودن به معروف و کار نیک دستور می‌دهند سپس خواستار «امر به معروف» می‌گردند. همچنین اول «تناهی» و ترک منکر را لازم می‌دانند، آنگاه می‌خواهند که «نهی از منکر» صورت گیرد.

« ۲- «إِنِّي لَارْفَعُ نَفْسِي أَنْ أَنْهِيَ النَّاسَ عَمَالَسْتِ أَنْتَهِيَ عَنْهُ أَوْ أَمْرَهُمْ بَمَا لَا أَسْبِقُهُمْ إِلَيْهِ بِعَمَلِي أَوْ أَرْضِي مِنْهُمْ لَا يَرْضَى رَبِّي: من نفس خود را بالاتر از این می‌دانم که مردم را از چیزی نهی کنم که خودم دست از آن برنداشته باشم، یا آنان را به چیزی دستور دهم که خودم قبل از آنان بدان عمل نکرده باشم، یا به کاری از آنان راضی باشم که خداوند از آن رضایت نداشته باشد.» امر و نهی بدون عمل، که در سیره‌ی شخص آمر و ناهی مورد توجه نباشد و صرفاً دیگران را مدنظر قرار دهد و در آن، آمر و ناهی از کردار خودش غافل باشد، آنچنان ناپسند و خلاف شأن یک انسان وارسته است که امام علی (ع) شأن خود را بالاتر از آن می‌دانند که این‌گونه باشند.

« ۳- «كُفِيَ بِلَمْرِءٍ غَوَايَهُ أَنْ يَأْمُرَ النَّاسَ بِمَا لَا يَأْمُرُ بِهِ وَيَنْهَاهُمْ عَنْ أَعْمَالٍ يَنْهَى عَنْهُ: برای گمراهی انسان همین کافی است که دیگران را به چیزی امر کند که خود، بدان عمل نمی‌کند و دیگران را از چیزی نهی کند که خود از آن دست نمی‌کشد.»

شاید بتوان گفت: هر عملی که انجام یا ترک آن واجب شرعی یا از نظر قانون و سیره عقلاء لازم باشد، معروف و هر فعلی که انجام یا ترک آن حرام شرعی یا از نظر قانون و سیره عقلاء ممنوع باشد، منکر محسوب می‌شود. در مقام نوشتن قانون و تعیین وظیفه برای آمر به معروف و ناهی از منکر، بهتر است که به قدر متیقن‌ها بسنده شود یعنی امر و نهی تنها نسبت به واجبات و محرمات شرعی یا الزامات قانونی (برگرفته شده از شرع، عرف یا عقل) وظیفه تلقی گردد نه این‌که هر فرد در مقام عمل به وظیفه، خود را در تشخیص معروف و منکر عرفی و عقلی آزاد یا حتی موظف تلقی کرده و بر اساس نظر خویش امر و نهی نماید.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر:

طبق بیان علمای اسلام امر به معروف و نهی از منکر چهار شرط دارد:

۱- فرد امر و نهی کننده باید احتمال اثر دهد. علم و یقین به تاثیر لازم نیست اما اگر یقین بداند یا ظن قالب او این باشد که هیچ اثری نمی‌کند بر او واجب نیست

۲- خود آمر و ناهی، فعل واجب و حرام را درست بداند، پس اگر حرمت یا وجوب فعلی بر او مسلم نباشد این فریضه بر او واجب نیست

۳- امر و نهی وی باعث ضرر به خود یا دیگری نشود پس اگر بداند یا خوف این باشد که امر یا نهی او ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی قابل توجه نسبت به خودش یا دیگری ایجاد میکند واجب نیست.

۴- یقین به انجام فعل حرام یا ترک واجب از طرف فرد مقابل و اصرار شخص بر استمرار آن (اصرار عاصی بر معصیت) داشته باشد به گونه‌ای که آثار پشیمانی و توبه هم در آن فرد نباشد. بنابراین اولاً اگر آن شخص نادم شود دیگر احتیاج به امر به معروف و نهی از منکر نیست. ثانیاً به مجرد احتمال یا ظن، نباید تجسس و پیجویی کند تا یقین پیدا کند که آیا آن فرد حرامی را انجام میدهد یا معروفی را ترک کرده یا نه. ملا احمد نراقی در این باره در باب چهارم معراج السعاده می‌گوید: «و از جمله اموری که در امر به معروف و نهی از منکر لازم است آن است که علم به صدور آن هم رسیده باشد، به این نحو که آدمی خود آن را ببیند یا علم به آن به هم رساند بدون اینکه تفحص یا تجسس نماید اما به محض احتمال یا مظنه، تجسس از آن جایز نیست و در صدد فحوص نباید برآمد پس اگر کسی گمان برد که شخصی در خانه مشغول معصیتی است، اما یقین نداشته باشد نمی‌تواند داخل آنجا شود و نباید در صدد تحقیق آن برآید»

مفهوم منع تجسس در قرآن نیز دیده میشود از جمله آیه ۱۲ سوره ی حجرات که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمانها پرهیزید، چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است؛ و [هرگز در کار دیگران] تجسس نکنید»



چگونگی امر به معروف و نهی از منکر:

امر به معروف و نهی از منکر باید با ملایمت و خوش خلقی و صبر و از روی خیرخواهی و خلوص نیت باشد و حیثیت و شخصیت کسی که مورد امر و نهی قرار میگیرد حفظ شود و به او آزار و اهانت نرسد و نباید با تندى و خشونت یا به قصد تحقیر انجام بگیرد چرا که ممکن است نتیجه ی عکس حاصل شود و سبب انزجار شخص از دین شود

در آیه ۱۲۵ سوره ی نحل آمده است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ: مردم را با حکمت و موعظه نیکو به سوى راه و دین پروردگارت دعوت کن، و با ایشان به طریقی که نیکوتر است استدلال نما، پروردگارت بهتر می داند چه کسانی از راهش گمراه شده و چه کسانی هدایت یافته اند.»

امام صادق (ع) می فرماید: «کسی باید امر به معروف و نهی از منکر کند که سه خصوصیت در او باشد: به آنچه فرمان میدهد، خود عمل کند، آنچه را نهی میکند، خود نیز ترک کند. در امر و نهی عدالت را رعایت کند و در امر و نهی اش طریق ملایمت را پیش گیرد»

ملا احمد نراقی نیز در باب چهارم معراج السعاده میگوید:

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نقل است که «صاحب امر به معروف باید عالم باشد به حلال و حرام، و از آنچه متعلق به نفس اوست و در آنچه امر و نهی می نماید فارغ شده باشد و خیرخواه مردمان، و مهربان به ایشان باشد و ایشان را به لطف و گفتار نیک به خوبی بخواند و معرفت به تفاوت اخلاق مردم داشته باشد، تا با هر کسی به نوعی که باید، رفتار کند و به مکرهای نفس مکاره و کید شیطان، بینا و دانا باشد. هر اذیتی از مردم به او رسد بر آن صابر باشد، و در صدد مکافات ایشان نباشد، شکایت از ایشان نکند و حمیت و عصیت بکار نبرد و از برای نفس خود به غیظ نیاید. نیت خود را از برای خدا خالص سازد و استعانت و یاری از او جوید پس اگر مردم نافرمانی کنند و با او جفا نمایند صبر کند و اگر فرمان او برند و سخن او را قبول کنند شکرگزاری ایشان را کند و امر خود را به خدا واگذارد و به عیب خود بینا باشد.»

بنابراین گرچه فقها این دو مورد را (پایبندی آمر و ناهی به امر و نهی خود در عملشان و خوش خلقی و ملایت آمر و ناهی در امر به معروف و نهی از منکر) جزو شرایط امر به معروف و نهی از منکر ذکر نکرده اند اما بررسی احادیث پیامبر و ائمه به خوبی اهمیت آنها را نشان می دهند.

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر :

امام علی (ع) فرموده اند: «تمام کارهای نیک، حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون قطره ی آبی است در برابر دریای پهناور.»

اما امام در ادامه ی این حرف بیان میکنند:

«وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ: بَلَا تَرَى مِنْ هَذِهِ أَعْمَالٍ نِيكٍ، جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ [سخن عادلانه ای است که در مقابل پیشوای ظالم گفته شود]. آن حضرت در جای دیگر به مردم می گویند: «أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَالنَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ: حق من بر شما وفای به بیعت و نصیحت آشکار و نهان است.»

«۴- «كفى بالمرء جهلاً أن ينكر على الناس ما يأتي مثله: در نادانی انسان همین بس است که مردم را از کاری باز دارد که خودش همان را انجام می دهد.»

«۵- «كن أمراً بالمعروف و عاملاً به ولا تكن ممن يأمر به ولا يعمل به فتبوء يأثمه و تتعرض لمقت ربه: آمر و عامل به معروف باش و از کسانی نباش که به معروف امر می کنند، ولی به آن عمل نمی نمایند؛ چرا که در این صورت دچار گناه شده و خشم خداوند را نصیب خود گردانیده ای.» در واقع امر به معروف به همراه عمل به آن ارزشمند است و چنانچه عمل، همراهش نباشد، مجازات و عقاب الهی را در پی خواهد داشت.

«۶- «و انهوا عن المنكر و تناهوا عنه فانما امرتم بالنهي بعد التناهي: نهی از منکر کنید و خود نیز از آن بپرهیزید. همانا نهی از منکر بر شما واجب شده است بعد از تناهی (ترک منکر)». امام (ع) تناهی و ترک منکر را مقدم بر نهی از منکر می داند. لذا انسان باید اول خودش را اصلاح نماید، سپس برای اصلاح دیگران تلاش کند؛ چرا که در غیر این صورت اقدامش تأثیر مطلوب را نداشته و نمی تواند دیگران را اصلاح نماید.

«۷- «من لا يصلح نفسه لا يصلح غيره: کسی که خودش را اصلاح نکند دیگران را نیز اصلاح نخواهد کرد.» در پایان بیانی را از حضرت علی می آوریم که نسبت به سخنان قبل، از شدت بیشتری برخوردار می باشد :

«۸- «و لعن الله الامرين بالمعروف التاركين له و الناهيين عن المنكر العاملين به: خداوند لعنت کند کسانی را که امر به معروف می کنند، ولی تارک آنند و نهی از منکر می نمایند، ولی عامل به آن هستند.»



خصوص در احادیث امام علی (ع) شدیداً به این دو موضوع تأکید شده، چرا که جامعه‌ی زمان امام علی (ع) همبستگی و وفاق زمان پیامبر را نداشت و جریان‌های مختلف و گروه‌های مدعی حقانیت هریک با شعار و سخنانی متضاد با دیگری، جامعه را متلاطم و بستر اختلافات کرده بود و چنین اشتباهاتی در اجرای امر به معروف و نهی از منکر به تفرقه و درگیری و نفرت پراکنی در جامعه می‌افزود؛ به همین سبب حضرت علی در سخنانشان شدیداً این افراد را سرزنش میکردند و در جامعه‌ی امروزی ما که به جامعه زمان امام علی (ع) بسیار شبیه‌تر است تا جامعه‌ی زمان پیامبر (ص) و دلیل تنش‌ها و فشارهای مختلف آستن نزاع و درگیری است باید به این دو نکته در سخنان حضرت علی در مورد اجرای اصل امر به معروف و نهی از منکر توجه و تأکید فراوان شود؛ موضوعی که شاهد آن نیستیم و وقتی به آن نهاده نشده و برای همین هم در بسیاری از مواقع اجرای اصل امر به معروف و نهی از منکر نتیجه‌ی عکس داده و مردم را از دین دورتر کرده است. از طرف دیگر، گرچه امام علی به نصیحت قوه‌ی حاکمه توسط مردم تأکید داشتند و آن را تکلیف مردم جامعه می‌دانستند، اما اکنون مشاهده می‌کنیم که قوه‌ی حاکمه گرچه در سخن از اعتراض به جا و انتقاد مردم حمایت میکند و در قانون اساسی خود آن را حق مردم می‌داند (اصول ۲۶ و ۲۷) اما در عمل هرگونه اعتراض و انتقاد و تجمعی را هرچند مسالمت‌آمیز، اغتشاش می‌نامد و جلوی آن را به هر شکلی میگیرد و این رویکرد، هم با احادیث ائمه به خصوص امام علی و هم با فریضه امر به معروف و نهی از منکر و هم به تبع آن با اصل ۸ قانون اساسی در تعارض است. بنابراین اصل ۸ قانون اساسی در بسیاری از موارد مورد سوء استفاده قرار گرفته و نه تنها باعث ترقی و پیشرفت جامعه نشده بلکه اجرای غلط آن به مشکلات جامعه افزوده است. به همین سبب ضروری است که هرچه سریعتر در این رویکرد تجدید نظر شود و اصل ۸ قانون اساسی یعنی امر به معروف و نهی از منکر به طور درست و مطابق شرایط آن، اجرا گردد

پایان

بنابراین از منظر امام علی (ع)، عامه‌ی مردم و آحاد جامعه نه تنها وظیفه دارند که مقابل پیشوای ظالم بایستند و او را از معصیت باز دارند، بلکه در مقابل پیشوای عادل و معصومی همچون آن حضرت هم حق دارند او را نصیحت کنند و بالاتر از آن، اینکه این نصیحت یک تکلیف است و حق امام بر مردم است که باید مردم آن را ادا نمایند! ایشان در جایی دیگر به مردم تذکر می‌دهند که اگر به این وظیفه و حق خود یعنی امر به معروف و نهی از منکر نسبت به حاکم عمل نکنند، مستوجب عقوبت و مجازات الهی خواهند بود:

«ان الله لا يعذب العامه بذنب الخاصه اذا عملت الخاصه بالمنكر سرّاً من غير أن لا تعلم العامه. فاذا عملت الخاصه بالمنكر جهاراً فلم تغير ذلك العامه استوجب الفريقان العقوبه من الله عزوجل: هرگاه خاصه بطور پنهانی و به گونه‌ای که عامه نفهمند مرتکب منکر شوند، خداوند عامه را عذاب نمی‌دهد. ولی اگر خاصه بطور علنی و آشکار مرتکب منکر گردند و عامه برای تغییر و اصلاح آنان اقدام نکنند، هر دو گروه (عامه و خاصه) سزاوار عقوبت و مجازات خداوند عزوجل می‌باشند»

بنابراین عوام مردم نسبت به گناهان خواص چنانچه پنهانی و غیرعلنی صورت بگیرد، به گونه‌ای که همگان از آن آگاه نگردند، مسئولیت و تکلیفی ندارند. اما آن زمان که خواص جامعه بطور علنی و آشکارا مرتکب اعمال ناشایست گردند، وظیفه‌ی عموم مردم است که خواص را نهی از منکر نمایند و مانع از ارتکاب معاصی و منکرات گردند. اگر در این حال، عامه وظیفه‌ی خود را انجام نداده و به بهانه‌ای زمینه را برای معصیت خاصه از بین نبرده و آنان را نهی از منکر نکنند، هر دو گروه (عامه و خاصه) استحقاق عقاب و عذاب الهی را پیدا نموده و خداوند آنان را مجازات خواهد کرد.

نتیجه گیری

گرچه اصل ۸ قانون اساسی اصلی مترقی و در زمره‌ی حقوق شهروندی است، اما به نظر میرسد با توجه به شرایطی که امر به معروف و نهی از منکر طبق احادیث ائمه و بیان علمای فقه دارد، در جامعه‌ی امروز به درستی اجرا نمیشود. این مسئله به خصوص در جریان قضایای اخیر کشور بیشتر به چشم می‌آید: نهادی به نام «گشت ارشاد» یا با نام‌های دیگر، که گفته میشود فلسفه‌ی پشت تاسیس آن «امر به معروف و نهی از منکر» به خصوص در زمینه‌ی حجاب است، اما در عمل مشاهده و گزارش شده که در بیشتر موارد این نهاد با تندی و سخت‌گیری فراوان با متخلفان برخورد نموده و گاهی کار به تحقیر و اهانت و آزار کشیده است و این امر به معروف و نهی از منکر، موجب ضرر و زیان امر و نهی شونده شده است و این به وضوح با شرایط امر به معروف و نهی از منکر (مخصوصاً شرط سوم آن) در بیان پیامبر و امام علی و امام صادق و دیگر ائمه که تأکید فراوانی بر ملایمت و صبوری و حفظ احترام در حین امر به معروف و نهی از منکر و نیز پابندی آمر و ناهی به گفته‌های خویش داشته‌اند، تعارض دارد و خلاف آن است؛ به

تأثیرات عدالت ترمیمی در مناطق محروم



نویسنده: مهسا شاهپوری

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه اراک

ایمیل: shahpoorimahsa82@gmail.com

چکیده

عدالت ترمیمی و عدالت کیفری در مناطق محروم اهمیت بسزایی دارد. در عدالت کیفری که با اجرای قوانین و مقررات جرم‌شناسی و مجازات افراد سرو کار داریم، در حالی که در عدالت ترمیمی بر تعویض خسارت و ارتقای حقوق قربانیان متمرکز هستیم. این دو نوع عدالت در کنار هم باید بررسی شوند تا به اهمیت آنها در جهت پیشگیری از جرم در مناطق محروم بینجامد.

مقدمه

عدالت کیفری مفهومی است در جهت پاسخ به نقض مقررات و قوانین کیفری و دارای پیامی که نقض قوانین به هیچ وجه پذیرفته نخواهد شد. در این رویکرد به بزه کار و نظم جامعه توجه می‌شود. در صورتیکه در عدالت ترمیمی بحث از تبدیل مجازات به اقداماتی است در جهت اصلاح مجرم و بازگشت وی در جامعه به نحوی که هم حقوق و خسارات وارده به قربانی جبران شود هم به بزه کار فرصت دیگر داده شود.

عدالت ترمیمی اصولاً به دنبال ترمیم و جبران خسارت و اصلاح کجروی‌ها است. مبنای فقهی عدالت ترمیمی قواعد فقهی اصطیادی من جمله تسبیب و لاضرر و غرور و ... می‌تواند به عنوان مستند ضرورت مورد استفاده واقع شود. حتی در قرآن کریم در سوره شریفه نساء آیه ۱۲۸ و مائده آیه ۴۵ و بقره (اصلح الخیر) اشاره شده است.

در نظام حقوقی کشور ما بیشتر سیستم عدالت کیفری کاربرد دارد گر چند که قانونگذار برخی موارد سعی در ترویج سیستم عدالت سبز کرده است. مثل اقدامات تأمینی و تربیتی موضوع ماده ۸۸ و جایگزین حبس ماده ۶۴...

با توجه به تعاریف این دو سیستم در نظام حقوقی کشورمان باید در نظر داشت در مناطق مختلف کشور اجرای کدام مورد موثر و کارایی بیشتری دارد.

از آنجایی که در مناطق محروم اغلب آمار جرم نسبت به سایر مناطق بالاتر است اهمیت رویکرد قضایی شایان توجه قرار می‌گیرد. جهت تشابه عدالت کیفری و عدالت ترمیمی

اول: پیشگیری از وقوع جرم

دوم: جبران خسارات وارده به افراد (بزه دیده)

جهت تفاوت عدالت کیفری و ترمیمی در تفاوت در هدف و دوم در حوزه پوشش جرایم می‌باشد.

تقسیم مناطق کشور از لحاظ اقتصادی

مناطق کشور از نظر رفاه و معیشت و دسترسی به خدمات عمومی و اساسی مثل آموزش و بهداشت و فرهنگ و تفریح می‌تواند به دسته‌های مختلفی تقسیم شوند.

رایج ترین دسته بندی به مناطق مرفه و مناطق متوسط و مناطق محروم اختصاص دارد. مناطق مرفه بیشترین سهم را از نظر رفاهی و خدماتی دارند در حالی که مناطق محروم از کم ترین سطح رفاه برخوردارند.

مناطق محروم به مناطقی اطلاق می‌شود که از نظر اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و توسعه یافتگی به نقطه خاصی نرسیده اند و دارای مشکلات مختلفی اند. در این مناطق معمولاً بیکاری و فقر منجر به افزایش جرم و جنایت در جامعه می‌شود که در ادامه بیشتر به آن‌ها می‌پردازیم.

عوامل موثر در پیدایش جرم

عوامل اقتصادی: به چهارچوب نظام اقتصادی مربوط است مثلاً فقر و تورم

عوامل سیاسی: ناتوانی در اجرای قوانین و عدم نظارت درست بر جامعه و تبعیض

عوامل اجتماعی - آموزشی: عدم دسترسی به آموزش و بهداشت و...

عوامل فرهنگی: مثل ترویج خشونت و تبلیغات منفی

در بین عوامل یادشده یکی از عواملی که موجب شده مناطق محروم دچار کثرت اعمال مجرمانه شود عوامل اقتصادی است. فقر و بیکاری و نبود اشتغال به میزان لازم در پیدایش جرایم در این مناطق به شدت تاثیر گذار است. به نحوی که جرایم مالی غز قبیل سرقت و قاچاق اعم از کالا و انسان و کلاهبرداری فراوان است. به نقل از محمد یونس برنده جایزه صلح نوبل «فقر محرومیت ایجاد می‌کند و محرومیت جنایت را تشویق می‌کند».

انواع جرایم در مناطق محروم با رویکرد عدالت ترمیمی

در مناطق محروم که به طور کلی جرایم مالی شایع تر است رویکرد عدالت ترمیمی می‌تواند رویکرد مناسب تری باشد، زیرا که برای جبران خسارت ایجاد شده به قربانی و جامعه و تسهیل فرآیند جبران میان آنها، این امر کمک کننده و موجب کاستن حس انتقام جویی و افزایش اعتماد عمومی است.

نوع جرایم عوامل سیاسی نقش بسیار دارند که عدم ارتباط سالم بین دولت و شهروندان و ضعف گفت‌وگو بین آنها می‌باشد. با گفت و گو مسالمت آمیز و کلاس ها و دوره های اصلاحی و آموزشی و میانجیگری و ... سعی در سازش شود.

در مورد گروه های سازمان یافته ایدیولوژیک مثل گروه تروریستی، پذیرش این رویکرد به سختی امکان پذیر است زیرا این افراد اهل سازش نیستند. اصولاً تروریسم تقابل خشن فرد با جامعه یا جامعه با فرد نیست بلکه تقابل خشن یک جامعه با جامعه دیگر است. پس وی نماینده ارسالی جامعه ای است که نفرت را تولید کرده و تروریست آنرا در جامعه هدف برده است و چون جامعه هم چنان تولید کننده نفرت و دشمنی است فرد در معرض لغزش و ورود به چرخش خشونت خواهد شد حتی اگر در تعیین حلقه مجازات قرار گیرند بدلیل تهدیدات و سایر موارد مجدداً بر می گردند.

در جرایم علیه اشخاص نقش بزه دیده یا خانواده یا وراث او برجسته است و در هر کدام از مراحل دادرسی (تعقیب، صدور و اجرای حکم) نقش بزه دیده یا وراث وی در سرنوشت بزه تاثیر گذار است. مانند گذشت اولیای دم از قصاص و تبدیل مجازات از قصاص به دیه و بعضاً تعزیر یا زمانی که شخص وراثی ندارد بنا به مقتضیات زمانی و اوضاع و احوال حاکم بر شرایط حاکم تصمیم میگیرد (الامام وارث من لا وارث له و وارث من لا وارث له)

تحت فشار قرار گرفتن فرد موجب جنایت و وقوع جرم در جامعه میشود که البته قواعد و مقررات حاکم بر این حوزه در این جرایم به نسبت جرایم دیگر از قبیل مرور زمان و تخفیف و تشدید و احکام تعدد و تکرار و توبه و عفو و ... در مجازات های مستوجب قصاص و دیه قابل اجرا نمیشد زیرا منجر به تضییع حقوق بزه دیده می شود. پس به غلبه عدالت ترمیمی در این زمینه میتوان اشاره نمود. در ژاپن نیز اقرار و بخشش و پشیمانی در هر مرحله موثر است و حسب مورد میتواند موجب معاذیر مخففه یا معاف کننده باشد.

با توجه به نظریه فشار رابرت کی مرتن میگوید: «فشار اجتماعی میتواند منجر به ایجاد جرم بشود زیرا جوامعی که فشار و تبعیض بر خود وارد می کنند احتمال ارتکاب جرم را افزایش می دهند.»

آثار عدالت ترمیمی در مناطق محروم

فی النهایه اهمیت عدالت ترمیمی در مناطق محروم به دلایل زیر است:

۱. افزایش دسترسی به خدمات اساسی مانند بهداشت، آموزش و امنیت برای جامعه محلی.

۲. تقویت اعتماد به نفس و افزایش مشارکت اجتماعی در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی.

۳. کاهش تفاوت های اقتصادی و اجتماعی و افزایش فرصت های شغلی و آموزشی برای ساکنان مناطق محروم.

۴. افزایش توسعه پایدار و بهبود شرایط زندگی در این مناطق به منظور ایجاد توازن و عدالت اجتماعی.



در حالی که در جرایم دیگر، عدالت کیفری میتواند پاسخ گو باشد. جرایمی که حالت خطرناک دارد و یا عدم کیفر در آن موجب تکرار جرم میشود. جرایمی مثل قتل و تجاوز و قاچاق که برای جلوگیری از انحرافات اجتماعی و حفظ نظم و امنیت عمومی حائز اهمیت است، بهتر است از شیوه عدالت کیفری بهره برد.

در حقوق کیفری ایران جرایم به اعتبار افرادی که مرتکب آن رفتار می شوند به سه دسته تقسیم می شود.

۱) جرایم علیه اموال

۲) جرایم علیه امنیت

۳) جرایم علیه اشخاص

در مورد جرایم علیه اموال عموماً می توان گفت رویکرد عدالت ترمیمی می تواند مفید باشد چرا که موجب جبران خسارت قربانی و اصلاح مجرم می شود و به بازسازی ارزش های اخلاقی منتج گردد.

اما بحث از آن در مناطق محروم خالی از لطف نیست. با توجه به این مورد که مردمانی که در این مناطق هستند به این جرایم بیشتر دچار می شوند، اقتصاد جرم که به رابطه بین اقتصاد و جرم اختصاص دارد، به بررسی میزان تاثیر گذاری عوامل اقتصادی به وقوع جرم می پردازد.

در مناطق محروم که از لحاظ مالی در سطح پایین تری هستند اقتصاد جرم بسیار مدنظر قرار می گیرد. عدم اشتغال و بیکاری و به دنبال آن عدم تامین نیازهای اساسی موجب جرایم اقتصادی از قبیل سرقت و کلاهبرداری (اعم از فیزیکی و رایانه ای) خیانت در امانت، جعل و قاچاق می شود.

قانونگذار ما در برخی جرایم مالی به شدت سختگیری کرده و راهی برای عدالت ترمیمی در آن باقی نگذاشته است.

به طور اجمالی مجازات قاچاق در ایران دارای ۳ تا ۵ سال حبس و در برخی موارد حتی محکومیت به اعدام و توقیف اموال و جریمه سنگین ۳ تا ۵ برابر و مصادره کالاهای قاچاق پیش بینی شده است. و آنها را از نهاد ارفاقی محروم نموده است.

در جرایم علیه امنیت بنظر می رسد امکان اعمال سیستم عدالت ترمیمی نباشد، چراکه این جرایم به طور مستقیم یا غیرمستقیم حکومت را مورد هدف قرار می دهد و بایستی با رویکرد سزادهی و سرکوب به آن واکنش نشان داد.

اما اگر با دیدگاهی عمیق تر، ابعاد آن مورد بررسی قرار گیرد میتوان متوجه آن شد که مرتکبین این جرایم ترسی از مجازات ندارند و هیچ کدام از اهداف مجازات در مورد آنها موثر نخواهد بود. حتی در مواردی حاضر به پنهان کردن آن نیستند.

موضوع این جرایم امنیت است و امنیت چیزی نیست که بتوان آن را دوباره به جامعه برگرداند و جبران کرد.

اما شاید بتوان عدالت ترمیمی را در آن جاری ساخت، زیرا در این

نظریه عدالت ترمیمی اکوسیستمی

یکی از نظریه‌های جذاب در زمینه عدالت ترمیمی، نظریه «عدالت ترمیمی اکوسیستمی» از دکتر جی. برایان نورتون است. این نظریه بر این اصل تأکید دارد که عدالت ترمیمی نه تنها باید به افراد آسیب‌دیده کمک کند بلکه باید به ترمیم و بازسازی خود اکوسیستم‌ها نیز توجه کند. بر اساس این نظریه، اقدامات عدالت ترمیمی باید به منظور حفظ تنوع زیستی، بهبود کیفیت آب و هوا و محیط زیست، و ایجاد توازن بین فعالیت‌های انسانی و نیازهای طبیعت انجام شود. این نظریه به عنوان یک رویکرد جدید و گسترده در زمینه حفاظت از محیط زیست و ارتباط انسان با طبیعت شناخته شده است «عدالت ترمیمی نه تنها به اصلاح کردن آلاینده‌ها متکی نیست. بلکه به بازسازی درک‌مندان و عادلانه رابطه ما با زمین و زندگی دیگران نیز تکیه می‌کند.» - دکتر جی. برایان نورتون.

نظریه بزه کاری در حومه شهر

نظریه بزه کاری در حومه شهر از جان فوربس نشأت گرفته است. او در دهه ۱۹۶۰ این نظریه را ارائه داده است و بر اساس آن، افرادی که به دلیل فقر و عدم دسترسی به فرصت‌های شغلی مناسب، به حومه شهرها مهاجرت کرده و در آنجا به فعالیت‌های غیررسمی و بزهکاری مشغول شده‌اند. این نظریه بر تأثیرات سیستم اقتصادی و اجتماعی بر رفتار افراد تأکید دارد و بر این باور است که بحران‌های اجتماعی مانند بزهکاری ریشه در عدم برابری و عدم عدالت اجتماعی دارند.

نظریه بزه کاری در حومه شهر تأثیرات گسترده‌ای بر جوامع دارد. این نظریه باعث می‌شود مسئولان و سیاست‌گذاران بیشتر به شرایط اقتصادی و اجتماعی افراد در حومه شهر توجه کنند و سیاست‌هایی برای بهبود این شرایط اجرا کنند. همچنین، این نظریه می‌تواند به شناخت بهتر علل بزهکاری و جلوگیری از آن کمک کند. افزایش آگاهی درباره مسائل اجتماعی و اقتصادی موجب می‌شود که راهکارهای مناسب‌تری برای مقابله با بزهکاری و افزایش کیفیت زندگی افراد در حومه شهرها ارائه شود.

نتیجه گیری:

معمولاً آمار جرم در مناطق محروم به نسبت مناطق دیگر بالاتر است. این موضوع به دلایلی که به آنها اشاره شد مطرح می‌گردد. این مسئله ملهم از بررسی بیشتر در زمینه جرم‌شناسی و کیفرشناسی می‌باشد. برای بهبود عدالت کیفری و عدالت ترمیمی در این مناطق اقدامات ذیل می‌تواند موثر واقع شود:

- (۱) افزایش حضور نهاد های قضایی و اجرایی در مناطق محروم به منظور ارائه خدمات قضایی بیشتر
- (۲) ارتقا آگاهی و آموزش حقوقی به منظور افزایش دسترسی به عدالت
- (۳) توسعه برنامه های مشارکتی با جوامع محلی برای تقویت به نهادهای قضایی
- (۴) ایجاد بستری مناسب برای تسهیل دریافت خدمات حقوقی و حمایت از قربانیان
- (۵) توسعه برنامه برای افراد محلی به منظور جلوگیری از ارتکاب جرم

به هر تقدیر امروزه عدالت ترمیمی توانسته جایگاه خود را پیدا کند و در کنار عدالت کیفری تأثیرات خود را برجای گذارد. در پاسخ به تعدادی از جرایم باید به رویکرد عدالت کیفری متوسل شد، همچون جرایم کلسیمی که به عنصر خشونت و استفاده از سلاح می‌پردازد و علیه امنیت هستند.

لذا ابتدایی ترین کار این شد که توان و ظرفیت جامعه در پذیرش شخص بزهکار را باید بالا ببریم و تصور هیولائی می باشد به نام مجرم را از ذهن جامعه پاک کنیم و بزهکار را به چشم بیماری که نیاز به درمان دارد نگریم. علی ایحال جرم زدایی تخصصی و زندان زدایی می تواند گام مؤثری جهت نیل به میمی و بازگشت افراد به جامعه باشد و همچنین با جایگزینهای مناسب برای اهداف عدالت تر مجازات زندان بزهکار را از تبعات بعدی زندان در امان نگه داشت به عنوان نمونه می توانیم در برخی از جرائم افراد را در منزل شخصی خود محبوس کنیم حداقل نتیجه این است که خود در تعامل و ارتباط می باشد با وجود این موارد، عدالت ترمیمی خواستار براندازی اساس نهادهای عدالت کیفری مثل مجازات بزه کار نیست بلکه از آن کارکرد نوینی را ارائه می دهد که بزه کاران در مناطق محروم سر خورده نشده بلکه با آنان با مصالحه رفتار شود و سعی در باز اجتماعی کردن آنها و در نهایت ترمیم و اصلاح جایگاه از دست رفته بزه دیده در جامعه شود.

به نقل از سزار بکاریا:

«پیشگیری از جرم، بهتر از بخشش جرم است.»

پایان



بررسی قرارداد مالکیت زمانی یا Time-Sharing و انطباق آن با فقه و قوانین موضوعه

نویسنده: حسین بی غم

کارشناسی حقوق دانشگاه آزاد واحد بناب

ایمیل: hoseinbigham@vatanmail.ir



۱. مقدمه

از آنجایی که عقد تایم شیرینگ یا مالکیت زمانی نهادی نوظهور در علم حقوق محسوب می‌شود، شناخت دقیق مفهوم آن می‌تواند یاری‌رسان ما در پی بردن به ماهیت و چیستی آن باشد؛ لذا همانطور که صاحب نظران علم حقوق بیان داشته اند، برای برداشت درست از یک نهاد حقوقی نوپا، ابتدا می‌بایست به تجزیه و تحلیل موضوع اقدام کرد تا اطلاعات کافی در مورد ماهیت و مفهوم آن نهاد تازه تاسیس در خاستگاه واقعی اش به طور روشن به دست آید سپس بتوان به واکاوی ماهیت آن نهاد پرداخت. در این مقاله ابتدا به مفهوم شناسی این پدیده حقوقی پرداخته و مفاهیم کلیدی همچون مالکیت را مورد ارزیابی قرار خواهیم داد در ادامه، ضمن بررسی و بیان آثار عقد مالکیت زمانی به نظریاتی که حول محور این عقد مطرح شده و به تبیین و تطبیق این عقد با عقود معین موضوع قانون مدنی پرداخته اشاراتی خواهیم داشت؛ در پایان نیز از مجموع مباحث مطرح شده نتیجه گیری لازم به عمل خواهد آمد.

۲. تعریف و اوصاف مالکیت

بر طبق ماده ۲۹ قانون مدنی اشخاص نسبت به اموال می‌توانند علاقه های ذیل را دارا باشند:

۱. مالکیت (اعم از عین یا منفعت)؛

۲. حق انتفاع؛

۳. حق ارتفاق به ملک غیر.

این ماده در مقام بیان تعدادی از حقوق عینی بوده است اما موضوع بحث ما در این بخش، مورد اول یا همان حق مالکیت است.

۱.۲. تعریف مالکیت

حق مالکیت یکی از مسائل مهم حقوقی به شمار آید و انتقال آن می‌تواند در نتیجه یک عمل یا واقعه حقوقی، به شکل یک طرفه و در قالب عقد یا به صورت انفرادی و در قالب ایقاع صورت پذیرد. با تحقق این عمل و واقعه حقوقی، مورد معامله از ملکیت انتقال دهنده خارج و به ملکیت انتقال گیرنده در می‌آید.

چکیده:

عقد تایم شیرینگ یا مالکیت زمانی قراردادی است که در آن مالکیت عین و به تبع آن منافع به صورت زمان بندی شده و در قبال عوض معلوم منتقل می‌شود. در این قرارداد منتقل الیه حق بهره برداری از مال موضوع قرارداد را در زمان خاصی از سال بدست آورده و می‌تواند به صورت دائم یا متناوب از آن استفاده نماید. یکی از چالش های پیشروی این عقد بررسی ماهیت آن و تطبیق بر اساس مبانی فقهی است. در رابطه با ماهیت این عقد نظریات بسیاری طرح شده است اما دو نظریه بیشتر مورد توجه نظریه پردازان قرار گرفته است؛ یکی از این نظریات عقد را بر مبنای اصل آزادی اراده ها و ماده ۱۰ قانون مدنی تفسیر کرده است و نظریه دیگر این عقد را عقد بیع مشاع به شرط مهیات می‌داند که به نظر نگارنده با وجود ماده ۱۰ قانون مدنی لزومی به معین خواندن این عقد نیست و با همان اصل آزادی اراده ها می‌توان این عقد را تشکیل داد. و اما دیگر چالش آن بررسی احکام و آثاری است که بر مالکان بار می‌شود. در مقاله حاضر ابتدا قصد داریم تا با ارزیابی این عقد، به اوصاف و اجزای تشکیل دهنده آن پی برده و در ادامه به نظریاتی که پیرامون ماهیت آن مطرح شده اشاراتی داشته باشیم؛ در پایان نیز به آثار و احکام این عقد و معایب و مزیت های آن خواهیم پرداخت.

کلمات کلیدی: مالکیت زمانی؛ تایم شیرینگ؛ حقوق قراردادها

۲.۲. اوصاف مالکیت

از تعاریف و توضیحاتی که برای مالکیت ذکر گردید می‌توان اوصاف زیر را برای این حق برشمرد:

- « مطلق بودن
- « انحصاری بودن
- « دائمی بودن

۱.۲.۲. مطلق بودن

مطلق بودن حق مالکیت از ماده ۳۰ قانون مدنی استنباط می‌شود. این ماده چنین بیان می‌دارد: « هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد. » البته همانطور که در قسمت اخیر مبحث تعریف مالکیت عنوان شد، این حق با استثنائات فراوانی روبه رو شده به نحوی که به گفته دکتر کاتوزیان بهتر است به جای اطلاق حق، از قید قانون در ماهیت مالکیت یاد کرد و گفت: « حقی است که به مالک اختیار انتفاع و تصرف را در حدود قوانین می‌دهد. » [۴]

در رابطه با وصف مطلق بودن مالکیت در عقد تایم شیرینگ، چنین اظهار نظر شده است که در این عقد محدودیت‌های موجود، منافاتی با اطلاق مالکیت در این عقد ندارد؛ بنابراین افراد در زمان مالکیتشان نسبت به اموال موضوع قرارداد، مالکیت مطلق دارند.

۲.۲.۲. انحصاری بودن

ماده ۳۱ قانون مدنی در این باره مقرر می‌دارد: « هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی‌توان بیرون کرد، مگر به حکم قانون. » این وصف نیز بنابر قسمت اخیر ماده با استثنائاتی روبه‌روست.

مالکیت زمانی، بر خلاف مالکیت دائم و معمول، به عنصر زمان محدود است و بنابراین می‌توان آن را مالکیت ادواری، مالکیت موقت و یا تایم شیرینگ نامید اما با این حال مالکین در زمان مالکیتشان، از وصف انحصاری بودن مالکیت نیز بهره‌مند هستند.

۳.۲.۲. دائمی بودن

همانطوری که در تعاریفی که فوقا برای مالکیت ذکر شد، مالکیت حقی است دائمی؛ با این حال در هیچ ماده ای به این وصف اشاره ای نشده است. اما سوالی که پیش می‌آید این است که آیا محدود بودن زمان استفاده از مال موضوع قرارداد تایم شیرینگ، نافی دائمی بودن حق مالکیت در این عقد است؟

برای پاسخ به این سوال نیازمند این هستیم که ابتدا انواع حالاتی که این عقد می‌تواند در قالب آنها واقع شود را تبیین نماییم. عموماً حق مالکیتی که در قالب مالکیت زمانی به اشخاص واگذار می‌شود بر دو شکل است:

- « مالک شدن عین، به طور مطلق و بدون قید و شرط
- « مالک شدن منفعت ملک، یا تحصیل حق انتفاع برای دوره زمانی معین

به تبع اهمیت مالکیت، مفهوم مالکیت و مفاهیم وابسته به آن نیز اهمیت می‌یابد [۳]؛ برای مثال می‌توان به اهمیت مفهوم آن در عقد مالکیت زمانی اشاره کرد. به همین خاطر بررسی و ارزیابی مفهوم آن در وهله اول مدنظر ما خواهد بود. واژه مالکیت که برخی از آن با عنوان ملکیت یاد می‌کنند از عبارت ملک گرفته شده است. برای تعریف ملک می‌توان به این روایت از یکی از اساتید علم حقوق، بسنده کرد: « ملک عبارتست از دسته ای از اموال که دارای مالک هستند » [۲]. اما در رابطه با تعریف مالکیت، هیچ تعریفی از آن در قانون مدنی نیامده بنابراین در این مورد هم می‌بایست به تعاریفی که علمای حقوق بیان کرده اند استناد بجوئیم. مالکیت از نظر دکتر لنگرودی عبارت است از حق استعمال و بهره‌برداری و انتقال یک چیز به هر صورت، مگر آنکه قانون استثناء کرده باشد [۵]. دکتر کاتوزین نیز مالکیت را چنین تعریف می‌کند: « مالکیت حقی است دائمی، که به موجب آن شخص می‌تواند در حدود قوانین تصرف در مالی را به خود اختصاص دهد و از تمام منافع آن استفاده کند » [۴]. با جستجو در منابع فقهی نیز می‌توان تعاریفی را در رابطه با مالکیت یافت. یکی از علمای فقهی در رابطه با مالکیت چنین بیان داشته: « حقیقت مالکیت فقط یک اعتبار عقلایی است؛ عقلاً چیزی را که در دست کسی قرار دارد، علقه ای بین او و چیزی که در اختیار وی است اعتبار می‌کنند که این رابطه منشاء تسلط وی بر آن چیز می‌باشد » [۶]. ولی با این حال دست مالک در اعمال آزادانه این حق در پاره ای از موارد توسط قانون بسته شده است؛ چرا که اسلام که شاکله ی اصلی قوانین ما را تشکیل می‌دهد ثروت را امانت خدا در دست انسان برمی‌شمرد تا به نیکی آن را اداره نموده و در روز واپسین حساب این اداره به مالک اصلی داده شود؛ به همین جهت در موارد تعارض اصل تسلط (که تسلط بر مال را در صورتی که مانعی برای آن وجود نداشته باشد مجاز میدانند.) و اصل لاضرر (بر نفی ضرر و زیان زدن به خود و دیگران در دین اسلام و حرمت آن دلالت می‌کند.) حکومت را با اصل لاضرر می‌داند تا انگیزه غیرخواهی بر خودخواهی چیره باشد [۴]. با این توضیح در ادامه به بررسی اوصاف حق مالکیت می‌پردازیم.



با این حال به دلایلی ایراداتی به این نظریه وارد است. اصلی ترین ایرادی که می توان در این مورد مطرح کرد این است که در عقد شرکت تصرف هر کدام از شرکا در مال موضوع عقد نیازمند اذن سایر شرکا است و این مورد می تواند موجبات طرح دعوی خلع ید را در موارد اختلافی برای سایر شرکا ایجاد نماید. حال آنکه در عقد تایم شیرینگ نیازی به چنین اذنی برای تصرف نیست و بدیهی است که طرح چنین دعاوی هم از سوی سایر مالکان امکان پذیر نخواهد بود.

۲.۳. تفسیر عقد بر مبنای عقد صلح

صلح در اصطلاح به معنی تسلیم، سازش و آشتی است. در قانون مدنی تعریفی از این عقد به عمل نیامده است؛ به همین جهت می بایست به تعریف استبد حقوق اکتفا نماییم. به نظر دکتر شهیدی، صلح، عقدی است که طبق آن دو طرف در پیدایش یا زوال یک رابطه حقوقی توافق می کنند. ماده ۷۵۲ قانون مدنی در رابطه با موارد استفاده عقد صلح چنین مقدر می دارد: « صلح ممکن است یا در مورد رفع تنازع موجود و یا جلوگیری از تنازع احتمالی، در مورد معامله و غیر آن واقع شود ». این ماده ناظر به جهات استفاده این عقد در ادوار گذشته می باشد؛ به طوری که صلح در ابتدا به عنوان وسیله ای برای حل اختلاف و رفع نزاع موجود، مورد استفاده قرار می گرفته و تدریجا از آن برای انجام مبادلات و نقل و انتقال اموال استفاده گردیده است [۹].

اما سوال اصلی اینکه آیا امکان انطباق عقد تایم شیرینگ با عقد صلح وجود دارد یا خیر؟ در جواب این سوال می بایست ابتدا به اقسام عقد صلح اشاره ای داشته باشیم.

۱.۲.۳. صلح بر دعوی

عقدی است که در مقام رفع تنازع و اختلاف منعقد می شود. خواه هدف از تشکیل عقد رفع اختلافات موجود باشد، خواه برای جلوگیری از بروز اختلافات در آینده. بنابر ماده ۷۶۶ قانون مدنی در صورتی که طرفین تمام ادعا های خود را در مقابل مبلغی به دیگری صلح کنند، کلیه دعاوی مدعی داخل در موضوع عقد صلح خواهد بود نمی تواند بعدا ادعایی علیه طرف دیگر داشته باشد مگر ادعایی که طبق قرینه از شمول عقد خارج باشد. [۹]

۲.۲.۳. صلح بدوی یا صلح در مورد معامله

ماده ۷۵۸ قانون مدنی چنین مقدر می دارد: « صلح در مقام معاملات هر چند نتیجه ی معامله را که به جای آن واقع شده است می دهد لیکن شرایط و احکام خاصه آن معامله را ندارد بنابراین اگر مورد صلح عین باشد در مقابل عوض نتیجه آن همان نتیجه بیع خواهد بود بدون این که شرایط و احکام خاصه بیع در آن مجری شود ». بر طبق این ماده عقد صلح می تواند در نقش هر عقد و ایقاع معوض و غیر معوض ظاهر شود؛ اعم از اینکه در آن معامله عین منتقل شود یا منفعت و یا حق. در این حالت عقد صلح نتیجه آن عقد یا ایقاع را می دهد ولی با این حال احکام و شرایط مخصوص آن معامله را نخواهد داشت. برای مثال اگر بر طبق عقد صلحی تملیک عین در مقابل عوض معلومی انجام گیرد، نقش عقد بیع را خواهد داشت ولی احکام خاصه آن مثل خیار های سه گانه خیار حیوان، مجلس، تاخیر ثمن در عقد مجری نخواهد بود. [۹]

اما در بحث نوع حالتی که می توان این عقد را در قالب آن منعقد کرد می بایست قائل به دو دسته بندی باشیم. دسته اول بدین صورت هست که عقد بر اساس بیع مشاع به شرط مهابت منعقد می شود بدین صورت که ملک به صورت مشاع به شکل دائم به مشتری فروخته می شود و خریدار بر مبنای شرط ضمن عقد، حق استفاده از ملک را برای زمان خاصی از خود سلب می کند. برای مثال مالکیت یک آپارتمان برای ۱۵ روز در سال و در زمانی معین و برای مدتی نامحدود به شخصی واگذار می شود و هر کدام از مالکان دوره ای، در زمان اختصاص یافته به خود، مالک عین متعلق به خود به طور اختصاصی و مالک مشاعات به طور اشتراکی محسوب می شوند. اما در حالت دوم مالکیت به صورت غیر دائم و به شکل مدت دار (برای مثال برای ۲۰ سال) منتقل می شود؛ در این حالت که می توان آن را با عقد اجاره تطبیق داد مالک می تواند در زمان مشخصی از سال (برای مثال در ماه فروردین هر سال) برای مدت مشخص (مثلا همان ۲۰ سالی که فوقا ذکر شد) از ملک استفاده کند.

با توجه به شرایط حاکم بر قراردادهای و همچنین مقتضیات جوامع جدید بشری می توان گفت که این عقد علی رغم محدود بودن استفاده از ملک به لحاظ زمانی، نمی تواند نافی دائمی بودن حق مالکیت باشد ولو اینکه در قالبی شبیه به عقد اجاره منعقد شود چرا که حتی در همین عقد اجاره نیز مستاجر در مدت اجاره، مالک منافع محسوب می شود.

۳.۲. تعریف عقد مالکیت زمانی

با در نظر گرفتن جمیع مواردی که ذکر گردید می توان عقد مالکیت زمانی را چنین تعریف کرد: « قراردادی است که در آن عین و یا منفعت و یا هر دو به شکل توأمان، به صورت زمان بندی شده در قبال عوض معلوم منتقل می شود و منتقل الیه در زمان خاصی از سال حق بهره برداری از مال موضوع قرارداد را بدست می آورد و می تواند به صورت دائم یا متناوب از آن استفاده نماید. » [۷]

۳. نظریات مربوط به ماهیت عقد

در این بخش در پی ارائه نظریاتی هستیم که در رابطه با ماهیت عقد تایم شیرینگ توسط نظریه پردازان ارائه شده است و به بررسی و تحلیل هر کدام خواهیم پرداخت.

۱.۳. تفسیر عقد بر مبنای عقد شرکت

ماده ۵۷۱ قانون مدنی عقد شرکت را چنین تعریف می کند: « شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد ». نظریه پردازانی که عقد تایم شیرینگ را بر اساس این ماده تفسیر می کنند چنین عنوان می کنند که شرکایی که در مالی به شکل مشاعی شریک هستند، حق استفاده از مال را در فواصل زمانی خاصی از خود سلب می کنند؛ که اصطلاحا به این حالت مهابت گفته می شود. مهابت در حالتی مورد استفاده قرار می گیرد که عین مشترک قابل تقسیم نبوده و مالکان ناچار شوند که برای جلوگیری از ضرر، منافع را افزاز نمایند. این تقسیم منافع، می تواند در اجزا باشد مثل تقسیم طبقات یک آپارتمان بین شرکا یا بر اساس فواصل زمانی استفاده از آن بدین صورت که شرکا مدت زمان خاصی را برای استفاده خود در نظر بگیرند [۸]؛

۴.۳. تفسیر عقد بر مبنای اصل آزادی اراده ها

مواردی که به توصیف آنها پرداختیم در رابطه با تفسیر و انطباق عقد بر اساس عقود معین موضوع قانون مدنی بود اما همانطور که در ابتدای بحث بدان اشاره شد دو نظریه مهم در مورد تفسیر عقد تایم شیرینگ در بین حقوقدانان مشهور است که یکی از آنها تفسیر عقد بر اساس اصل آزادی قرارداد ها یا تفسیر بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی است و دیگری تفسیر عقد بر مبنای بیع مشاع به شرط مهایات که پیشتر به توضیح آن در ذیل بحث اوصاف مالکیت پرداختیم. بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی قرارداد های خصوصی نسبت به کسانی که آنها را منعقد ساخته اند، در صورتی که خلاف صریح قانون نباشد، نافذ است. بنابراین در حقوق کشورمان، اصل آزادی اراده ها از جمله اصول مسلم و ثابت شده حقوقی است و جز در مواردی که قانون مانعی در سر راه نفوذ قرارداد ایجاد کرده است، اراده اشخاص، حاکم بر سرنوشت پیمانهایشان است [۱۱]. اصل آزادی اراده دارای نتایجی است که ذیلاً به برخی از آنها اشاراتی خواهیم داشت:

- * در انعقاد قرارداد، اراده ی فردی نقش موثری را ایفا می کند؛ اساساً اشخاص خودشان شروط ضمن عقد قرارداد هایشان را تعیین می کنند و به اصطلاح از آزادی قراردادی برخوردار هستند. به موجب این آزادی افراد در تنظیم روابط قراردادی خود مکلف به تبعیت از قالب های قراردادی که در قانون پیشبینی شده است نیستند و می توانند محتوای مذاکرات و توافقات خود را در حدودی که مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد در ضمن عقود خود بیاورند.
- * بعد از انعقاد قرارداد در صورتی که عقد شرایط گفته شده در بند قبل را داشته باشد می بایست از سوی مراجع اداری و عمومی محترم شمرده شده و از تغییر خودسرانه در مفاد قرارداد هایشان پرهیز کنند [۱۲]؛ به همین خاطر قرارداد ها به لحاظ تبعیت از قوانین تابع قانون زمان انعقادشان هستند و قانونگذار نمی تواند با تصویب قوانین جدید حقوق مکتسبه طرفین قرارداد را نادیده بگیرد.
- * امروزه قوانین به لحاظ شکلی جز در موارد خاص تشریفات خاصی ندارند و صرف اعلام اراده و ایجاب و قبول در انعقاد قرارداد کافی است؛ رضایی بودن قرارداد ها از جمله نتایج اعمال اصل آزادی قرارداد هاست.
- * قضات می بایست در مقام تفسیر قرارداد ها مقصود طرفین را مدنظر داشته و بر اساس توافقات طرفین مبادرت به تفسیر قرارداد بنمایند. از همین روست که در تفسیر قرارداد ها صرفاً نباید به عنوانی که طرفین به قرارداد داده اند اکتفا نموده و حکم را بر اساس آن صادر نمود بلکه قاضی باید در کشف مقصود اصلی طرفین بکوشد و همانطور که استاد گرانقدر جناب دکتر سید حسین صفایی عنوان داشته اند قاضی می بایست برای قرارداد همان آثاری را قائل شود که طرفین برای آن خواسته اند. [۱۲]

به هر حال این اصل از جمله اصولی است که نهاد های حقوقی متعددی بر اساس آن ایجاد و تفسیر شده اند که از آن جمله می توان به قراردادهای بیمه، نهاد حقوقی تقسیم، قرارداد های اجاره به شرط تملیک و قرار داد های مالکیت زمانی اشاره نمود.

اما در پاسخ به سوال فوق می توان بر اساس مطالبی که ذکر گردید قائل به جواز این امر باشیم؛ به طوری که مالک عین می تواند در قالب یک عقد صلح معوض، مالکیت عین را به صورت زمان بندی شده به چند نفر منتقل کند و هر یک از آن ها در مدت مشخصی از سال مالک عین باشند. اما با این حال عده ای از حقوقدانان با این امر مخالفند و ایراداتی را به لحاظ شرعی بر آن وارد می دانند. آن ها بر این عقیده اند که اگر این نوع مالکیت موضوع عقد صلح قرار گرفته باشد، شرط مشروعیت داشتن موضوع عقد صلح، آن طور که شایسته است فراهم نمی شود. [۱۰]

۳.۳. تفسیر عقد بر مبنای عقد اجاره

یکی از تفاسیری از قالب های عقد مالکیت زمانی که با موافقت اکثریت فقها درباره صحت آن رو به رو شده است، تفسیر بر اساس عقد اجاره است به نحوی که زمانی که این عقد برای اولین بار در کشورمان مطرح شد علما در جواب استفتائی که از سوی قوه قضائیه طرح شد به اتفاق حکم به جواز انعقاد عقد در قالب عقد اجاره دادند؛ برای مثال آیت الله نوری همدانی در این باره چنین اظهار نظر کرده اند: « جایز نیست و در این قبیل موارد که اشخاص متعدد از ملک دیگری فایده می برند، اگر بدون پول و رایگان باشد عاریه است و اگر در برابر پرداخت پول باشد اجاره و یا مصالحه است. » همچنین آیت الله ناصر مکارم شیرازی نیز در پاسخ به این مورد پاسخ مشابهی را عنوان کرده اند. [۸]

همانطور که قبلاً در بحث وصف دائمی بودن حق مالکیت ذکر گردید عقد تایم شیرینگ در حالات و انواع گوناگونی امکان انعقاد و تحقق را دارد که از بین آنها صرفاً یک نوع، قابلیت تحقق را بر پایه عقد اجاره داراست؛ و آن هم حالتی است که در آن مالکیت به صورت غیر دائم و به شکل مدت دار منتقل می شود. در این حالت شخص می تواند از انواع حالات به لحاظ زمانی برای انعقاد قرارداد استفاده کند؛ برای مثال می تواند از روش مدت ثابت یا مدت چرخشی و یا مدت شناور استفاده نماید.



۴. آثار و احکام عقد مالکیت زمانی (تایم شیرینگ)

در قرارداد مالکیت زمانی به جهت اینکه مال دارای مالکان متعدد بوده و با توجه به این نکته که با انقضای مالکیت یک مالک، مالکیت مالک بعدی آغاز می‌گردد یا به عبارت بهتر مال به مالک بعدی منتقل می‌گردد، مال هیچ گاه بدون مالک نمی‌ماند؛ سوال اصلی را چنین می‌توان مطرح کرد که رابطه مالکان با یکدیگر و همچنین رابطه آنها با مال به چه شکل خواهد بود؟

مقررات حاکم بر عقد مالکیت زمانی تحت تأثیر دو مؤلفه مهم در این قرارداد شکل می‌گیرند، مؤلفه اول مفهوم مالکیت است، که پیشتر بدان اشاره شد، و مؤلفه دوم تراحم حقوق سایر مالکان است، که موجب برخی محدودیت‌ها برای هریک از مالکان می‌شود که مختصراً به ذکر برخی از آنها می‌پردازیم:

« مالک هر برهه زمانی در قرارداد بیع زمانی، به اقتضای حق مالکیت خویش دارای حق تصرف، حق استثمار و حق استعمال است. او می‌تواند به واسطه حق تصرف، هرگونه تصرف مادی در ملک خود بنماید، که این را می‌توان بهره‌بری از عین به هر شکل بدون نیاز به اذن سایرین خواند. ماده ۳۰ قانون مدنی در این زمینه چنین بیان داشته که: «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد». البته این استفاده تنها به رفع نیازهای شخصی مالک منحصر نمی‌شود؛ بلکه می‌تواند به انگیزه‌های دیگر جز رفع نیازهای شخصی مانند خیرخواهی برای دیگران نیز باشد؛ با این وجود حقیقت مالکیت زمانی و استمرار و تداوم این قرارداد بستگی به بقای عین دارد؛ به عبارت دیگر میبایست عینی وجود داشته باشد تا بتوان مالکان آن را در هر قسمت از زمان مشخص کرد و آنها بتوانند در زمان مختص به خود از مال بهره ببرند. از این رو میبایست تمامی مالکان در حفظ عین مال اهتمام ورزند و از همین روست مالک با انعقاد این قرارداد به طور ضمنی یا صریح حق اتلاف یا هرگونه تغییری که مورد خواست سایر مالکان نیست را از خود سلب می‌کند؛ این سلب حق را نیز می‌توان بر اساس ماده ۹۵۹ قانون مدنی سلب جزئی محسوب کرده و جائز و صحیح دانست. البته در یک صورت می‌توان موضوع مالکیت را اتلاف کرد و آن، زمانی است که همه مالکان به این امر رضایت داشته باشند.

« تلف ملک نیز در دست هر مالکی اگر بدون تعدی و تفریط او باشد، موجب ضمان وی نسبت به سایر مالکان نخواهد بود؛ زیرا سیطره و سلطنت هر مالکی بر ملک در زمان مربوط به خود، نسبت به حق سایر مالکان، همچون سلطه‌ای امانی است که تنها در صورت تقصیر یا به تعبیری، تعدی و تفریط سبب ضمان می‌شود. [۱۳]

« از آثار این نوع از مالکیت می‌توان به لزوم اشتراک مساعی و همفکری مالکان در حفظ و بقای عین و بهره‌بری مستمر از مال اشاره کرد. همانطور که قبلاً هم اشاره شد، هرگاه عده ای در شی ای با یکدیگر سهیم باشند، سهیم بودن آنان تا زمانی می‌تواند ادامه داشته باشد که موضوع آن محفوظ باشد. از سویی دیگر لازمه حفظ بقای عین و بهره‌بری مستمر از آن، تنها به عدم اتلاف عین از سوی مالکان محدود نمی‌شود بلکه نیازمند همفکری و همیاری مالکان در محفوظ داشتن موضوع عقد مالکیت زمانی نیز است. راهکار های گوناگونی در زمینه این همیاری وجود دارد. در مواردی که مالکان محدود هستند می‌توانند یک نفر را از میان خود یا شخص ثالث را برای اداره ی این امر انتخاب نمایند و در موارد تعدد مالک، یک شخصیت حقوقی (مثل برخی از شرکت های متولی قرارداد های تایم شیرینگ) می‌تواند این کار را بر عهده گیرد. [۱]

۵. مزایا و معایب عقد مالکیت زمانی (تایم شیرینگ)

قرارداد تایم شیرینگ تأسیس حقوقی نوینی است که دارای مزایا و معایبی است. از مزایایی که می‌توان برای این نوع از عقود متصور بود کاهش هزینه های مالکیت است. هزینه های تعمیر و نگهداری، نگهداری، آماده سازی برای استفاده مجدد و حوادث احتمالی هزینه هایی است که الزاماً در طول سال باید انجام شود و وابسته به استفاده یا عدم استفاده از اماکن نیستند. این هزینه ها در صورت خالی بودن ملک نیز بر صاحبان آن تحمیل می‌شود و حال آنکه در صورت فروش آن ها به روش مالکیت زمانی و با تقسیم یک دارایی بین چند مالک، هزینه های نگهداری، تعمیرات و مالیات بین آنها تقسیم می‌شود و به این ترتیب، هزینه های اضافی مالکیت برای هر یک از طرفین کاهش می‌یابد. [۱۴]



از دیگر مزایای این عقود می‌توان به جلوگیری از اتلاف زیاد سرمایه اشاره کرد بدین صورت که اشخاص می‌توانند در جهت امور سیاحتی خود به سرمایه گذاری از طریق مالکیت زمانی مبادرت ورزیده تا هم مکان مناسبی برای امورات تفریحی خود ایجاد کرده باشند و هم سرمایه زیادی را صرف نکرده باشند.

دیگر مزیتی که می‌توان برای این عقود برشمرد این است که این امکان را برای اشخاص با سرمایه کم ایجاد میکند که آنها نیز بتوانند در خرید ساختمان و اموال غیر منقول سرمایه گذاری کرده و سرمایه های جزء خود را به گردش درآورند. [۱]

این عقد با وجود مزایای فراوانی که برای مالکان و همچنین جامعه دارد دارای معایبی نیز هست که در مقابل مزیت های بشمار آن ناچیز است. در ادامه به برخی از آنها اشاراتی خواهیم داشت:

اولین نکته منفی که می‌توان برای این عقد برشمرد این است که این عقد دارای انعطاف پذیری کمی در بحث زمان بهره‌برداری و استفاده از ملک می باشد. برای مثال اکثر مالکان مایلند در سه ماهه تابستان یا به عبارت جامع تر در روز های دلخواه خود از ملک استفاده کنند ولی بدیهی است که این امکان برای همه مالکان میسر نیست و می‌بایست استفاده آنها با برنامه ریزی قبلی باشد. از سویی دیگر خود همین برنامه ریزی می‌تواند چالشی بر سر راه مالکان در جهت استفاده از ملک باشد.

از جمله عیوب شایع دیگری که در این عقد وجود دارد می‌توان به مشکل بودن فروش مجدد سهم و یا حتی اجاره آن به اشخاص به جهت عدم رغبت خریداران در خرید چنین ملکی اشاره کرد. [۱۵]

۶. نتیجه گیری

در تحقیق حاضر تلاش داشتیم تا مختصراً با ماهیت حقوقی عقد مالکیت زمانی در مرحله اول، و در ادامه به آثار این قرارداد، و در پایان به مزایا و معایب آن بپردازیم. در بحثی که حول محور ماهیت حقوقی این قرارداد داشتیم به این نتیجه رسیدیم که این عقد می‌تواند هم جزء عقود غیر معین موضوع ماده ۱۰ قانون مدنی تلقی شود و هم عقد معین با عنوان عقد بیع مشاع به شرط مهایات محسوب شود. در باب آشنایی با آثار و احکام این عمل حقوقی دانستیم که شخص می‌تواند هر تصرفی را در ملک داشته باشد جز تصرفاتی که موجب اتلاف و تخریب مال شود؛ و در پایان دریافتیم که عقد تایم شیرینگ شیوه نوینی در استفاده از اموال و املاک می‌باشد که دارای مزایای اقتصادی فراوانی است و می‌تواند نقش مؤثری در تقویت بنیان‌های اقتصادی جامعه به واسطه جلوگیری از حبس و رکود سرمایه، فراهم کردن امکان سرمایه گذاری برای سرمایه های جزء و مواردی از این دست داشته باشد. لذا پیشنهادی که در باب نظم بخشی و وحدت رویه در تشکیل این نهاد حقوقی با توجه به رشد چشمگیر این عقود در کشور می‌توان ارائه نمود این است که، قوانین و مقررات مدون و مشخص در خصوص این پدیده حقوقی با عنایت به نوظهور بودن این قرارداد ها در ایران تدوین شود که هم از طرفی موجب تقویت مقوله گردشگری در کشور شده و از سویی دیگر سبب جلوگیری از بروز اختلافات آتی گردد.

پایان



قاضی پرونده او قاتل شناخته شد طبیعتاً قاصد بودن او هم فرض دانسته شد و در آخر قاضی طبق علم خود و ادله و نظریات پزشکی قانونی اقدام به صدور حکم گردید.

طبق این پرونده آرمان بعد از هول دادن ارغوان و بیهوش کردن وی اقدام به زدن ضرباتی به او میکند طبق نظر کارشناسان و بعد از بازدید از محل وقوع جرم و نظریه پزشکی قانونی بعد از دیدن اثرات خون زیر تخت (که در فیلم زیر وان حمام ذکر شده است) بیان میشود که خون متعلق به غزاله است مطابق با پرونده و اعترافات ابتدایی که آرمان در دادسرا داشته است با میله بارفیکس ضرباتی بعد از بی جان شدن ارغوان به سر او وارد میکند و اقداماتی در جهت از بین بردن اثرات جرم مینماید.

که از افعال او میتوان فهمید که به نوعی فعل مادی جرم در خصوص وی مفروض است.

سوء نیت عام

یعنی فرد در فعلی که انجام می‌شود قاصد است و قصد انجام فعل مجرمانه را دارد نه هر فعلی، لذا ممکن است فرد قصد انجام فعل را داشته باشد؛ ولی آن فعل، فعل مجرمانه منجر به قتل نباشد؛ مانند کسی که قصد زدن تیر به پرنده را دارد، ولی اتفاقاً به انسان اصابت می‌کند.

در ماده ۲۹۰ قانون مجازات بند «الف» که می‌گوید «انجام کاری» منظور همان «سوء نیت عام» است.

سوء نیت خاص

سوء نیت خاص (قصد نتیجه) یعنی اینکه فرد هدفش از انجام فعل رسیدن به نتیجه باشد. در قتل قصد نتیجه سلب حیات از یک شخص معین یا فرد نامعین از یک جمع معین است. اشتباه در هویت نیز تأثیری در تحقق قتل عمد ندارد.

همچنین یکی دیگر از موضوعاتی که می‌توان راجع به آن بحث کرد، رابطه ی دیه و قصاص در این شکل از پرونده است چون ما مشاهده کردیم که خانواده ی مقتول باید مبلغی را برای پرداخت به خانواده قاتل جور می‌کردند. زمانی که یک زن مسلمان از روی عمد به قتل برسد و اولیای دم هم تقاضای قصاص کرده باشند؛ در صورتی که قاتل مرد مسلمان باشد، ولی دم باید قبل از قصاص نفس مرد قاتل، نصف دیه کامل را به او بپردازند.

موضوع بعدی اصل بی طرفی در دادرسی است. در طول رسیدگی، دادرس باید در رفتار خود با طرف های دعوا، اصل بی طرفی را رعایت کرده و از رفتارهای شبه ناک و از اقداماتی که باعث تقویت وضعیت یک طرف یا تضعیف موقعیت طرف مقابل شود خودداری نکند.

همچنین مطابق ماده ۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری: بازپرس باید در کمال بی طرفی و در حدود اختیارات قانونی، تحقیقات را انجام دهد و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است فرق نگذارد.

نکته ای که قابل توجه هستش این است که اعتراف به قتل نزد ظابطین نمیتواند از موارد صدور حکم توسط دادگاه قرار بگیرد و طبق قواعد فقهی «قرار باید عندالحاکم باشد». حتی اگر متهم نوشته ای را امضا کرده باشد باید در محکمه رسیدگی و نزد دادگاه به ارتکاب آن جرم اعتراف کند. اما بازیگری که نقش قاتل را داشت در دادگاه به صراحت اعتراف نکرد.



نقد فیلم: بی بدن

نویسندگان:

محمد صادق عبدالحی / دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه اراک
ایمیل: sadeghabdollah@gmail.com

فرناز چوبندیان / دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه اراک
ایمیل: farichoobandian@gmail.com

پریسا علیخانی / دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه اراک
ایمیل: parisa471381@gmail.com

فیلم سینمایی بی بدن به کارگردانی مرتضی علیزاده و نگارش کاظم دانشی است. عنوان این فیلم با پرونده «آرمان و غزاله» شباهت های نسبتاً داستانی ای دارد، که چندین بار این پرونده تا مرحله اجرای حکم رفت و برگشت.

نکاتی که از منظر حقوقی باید به آن توجه کرد بحث قتل (اعم از عمد یا غیر عمد و ...) است. که در فیلم توجه میشود و به بحث های قصاص و نوع قصاص هم اشاره هایی به عمل آمده است. جرم قتل به سه عنصر (قانونی، مادی، معنوی) تقسیم میشود.

« عنصر قانونی: قتل عمد در ماده ۲۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ ذکر گردید است بدین شرح که: جنایت بر نفس عضو، منفعت به سه قسم است (عمدی، شبه عمدی، خطای محض).

که در این فیلم به عنصر قانونی اشاره دارد که سرش قاتل شناخته شده و قصاص میگردد

« عنصر مادی: درواقع حقیقت و ماهیت ضداجتماعی عمل است در بررسی این رکن موارد زیر قابل توجه است:

۱) مرتکب جرم ویژگی خاصی ندارد.

۲) رفتار مجرمانه

عنصر معنوی: در این فیلم از حیث عنصر معنوی باید گفت با توجه به اینکه نشان داده شد که سرش قاتل است و طبق نظر دادگاه و



همچنین از دیگر موضوعات قابل اشاره برگزاری جلسه ی صلح و سازش بین طرفین بود. جلسات صلح و سازش بر مبنای توافق طرفین و جلب رضایت بزه دیده صورت میگیرد. در صورتی که توافقی بین طرفین بر این مبنا صورت بگیرد دادگاه مکلف است جرایم حاصله را به شکل تخفیف یا تعلیق و یا تبدیل جرایم دربیارد. همچنین اگر نسبت به پرونده ی قتلی صلح و سازش حاصل شود خانواده مقتول می تواند قاتل را به حبس یا پرداخت دیه محکوم بکند که در این صورت آمار قصاص هم به طور چشمگیری کاهش پیدا می کند.

نتیجه

فارغ از روایت دردناک و هولناک و پیچیده پرونده آرمان و غزاله، باید گفت یکی از سخت ترین و پر بحث ترین پرونده های قضایی و کیفری و یکی از پرونده های جنجالی سال های اخیر به حساب می آید که شاید نقد کامل و جامع از این فیلم و این پرونده نیازمند دسترسی کامل به پرونده و اظهارات طرفین است که خب چنین امکانی فراهم نیست لذا از تمام ظرفیت ها برای نقد این اثر استفاده شد.

در این فیلم و در این نقد به پرونده قتل آرمان نگاهی انداخته شد و بررسی کردیم که طبق نظرات برترین حقوق دانان و با نظرات بالغ بر ۵۰ نفر از قضات برجسته کشور در مورد این پرونده اظهار نظر نموده و شائبه های غیر قانونی بودن حکم قصاص ایشان یا عدم رعایت قانون در این خصوص را رد مینماید. در نهایت حکم این پرونده صادر و حکم قصاص آرمان عبدالعالی اجرا شد و هیچ گاه جسد مقتول پیدا نشد.

پایان

ماده ۱۹۵ قانون مجازات هم در این خصوص می گوید: « بازپرس پیش از شروع به تحقیق باتوجه به حقوق متهم به وی اعلام میکند مراقب اظهارات خود باشد سپس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم میکند و به او اعلام مینماید که اقرار یا همکاری موثر وی می تواند موجبات تخفیف مجازات وی را در دادگاه فراهم سازد و آنگاه شروع به پرسش میکند. پرسش ها باید مفید روشن مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد پرسش های تلقینی یا همراه با اغفال اکراه و اجبار متهم ممنوع است. همچنین اقرار بر مبنای شکنجه بدین صورت که فرد دچار آزار و اذیت روحی و روانی و یا جسمی بشود فاقد اعتبار قانونی و فقهی است.

بر اساس ماده ۵۷۸ تعزیرات قانون مجازات اسلامی: هر یک از مستخدمین و مامورین قضایی یا غیر قضایی دولتی برای این که متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می گردد؛ و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستوردهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت.

مبحث بعدی در خصوص انتشار عکس های خصوصی ارغوان توسط دوستش است.

بر اساس ماده ۱۷ قانون جرایم رایانه ای: چنانچه شخصی به وسیله سامانه های رایانه ای یا مخابراتی تصویر خصوصی یا خانوادگی شخص دیگری را بدون رضایت او منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد، به طوری که موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از ۹۱ روز تا ۲ سال و جزای نقدی یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

درواقع فارق از واقعه پیش آمده بین سروش و ارغوان به صورت جداگانه هم می توان به آن رسیدگی نمود.

چالش های اجرای درست اصل ۸ قانون اساسی در

جامعه ی کنونی

- * قرآن کریم ، سوره های: حجرات: ۱۲، توبه: ۷۱، آل عمران: ۱۱۰، آل عمران: ۱۰۴، نحل: ۱۲۵
- * تحریر الروضه فی شرح اللমে، جلد اول
- * مَجْمَعُ التَّيَّانِ لَعُلُومِ الْقُرْآنِ، ابوعلى فضل بن الحسن الطبرسى
- * شَرَايِعُ الْإِسْلَامِ، محقق حلی
- * معراج السعاده، ملا احمد نراقی
- * نهج البلاغه
- * اصول فقه کاربردی، حسین قافی، جلد اول

تأثيرات عدالت ترمیمی در مناطق محروم

- * فرهنگد، مجتبی، جلوه های عدالت ترمیمی در حقوق کیفری ایران انتشارات میزان
- * شبیری، عباس، عدالت ترمیمی چاپ اول، بنیاد حقوقی میزان
- * نجفی ابرند آبادی، محمد حسین، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، مجله دانشگاه علوم اسلامی،
- * نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام،
- * جعفری دولت آبادی، عباس، جایگاه امنیت در سیاست کیفری ایران، انتشارات فکر سازان، ۱۳۹۵
- * غلامی، حسین، عدالت ترمیمی، ۱۳۸۵، انتشارات سمت
- * صادقی و فخر و رحیمی نژاد، جایگاه عدالت ترمیمی در جرایم علیه حاکمیت، حقوق کیفری
- * زمینه های عدالت ترمیمی، رهامی، محسن

بررسی قرارداد مالکیت زمانی یا Time-Sharing و انطباق آن با فقه و قوانین موضوعه

- * [۱] باقرپورعلی آبادی، ل، (۱۳۹۸). تحلیل ماهیت و آثار تایم شیرینگ، همایش منطقه ای پژوهش های کاربردی در علوم انسانی و علوم اسلامی. <https://civilica.com/doc/1022999>
- * [۲] توکلی، م. (۱۴۰۰). آموزش جامع حقوق مدنی، ج ۱، تهران، انتشارات مکتوب آخر
- * [۳] سربازیان، م، رنجبری، س، (۱۳۹۳). مفهوم مالکیت و زمان انتقال آن در فقه امامیه، حقوق ایران و انگلیس، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب. س دوم، ش سوم، ص ۸۰-۵۷
- * [۴] کاتوزیان، ا. (۱۳۸۶). دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت، تهران، نشر میزان
- * [۵] جعفری لنگرودی، م، (۱۳۸۱). ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش
- * [۶] طباطبایی یزدی، ک. (۱۴۲۱ق). حاشیه مکاسب، جلد ۱، قم، موسسه اسماعیلیان
- * [۷] بی غم، ج، (۱۴۰۱). تقریرات درس قرارداد های نوین دکتر مجتبی خسروی، مقطع کارشناسی، رشته حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، ص ۷
- * [۸] امیرمحمدی، م، و ودیعتی، م، (۱۳۹۶). ماهیت حقوقی مالکیت زمانی در حقوق ایران. کنفرانس پژوهش های نوین ایران و جهان در مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم انسانی. <https://sid.ir/paper/fa/895726/SID>
- * [۹] شهیدی، م. (۱۳۹۹). حقوق مدنی ۶، تهران، انتشارات مجد
- * [۱۰] محمد زاده، م، (۱۴۰۱). تایم شیرینگ: از مفهوم تا ماهیت، تایم-شرینگ-از-مفهوم-تا-ماهیت <https://miizan.ir>
- * [۱۱] کاتوزیان، ا. (۱۳۹۴). فلسفه حقوق، تهران، انتشارات امیرکبیر
- * [۱۲] صفایی، ح. (۱۳۸۴). دوره مقدماتی حقوق مدنی: قواعد عمومی قرارداد ها، تهران، نشر میزان
- * [۱۳] امامی، م (۱۳۸۹). بیع زمانی، فصلنامه فقه، ش ۶، ص ۲
- * [۱۴] لطفی، مصطفی، (۱۴۰۳). مالکیت زمانی (تایم شیرینگ). <https://civilica.com/doc/105744/>
- * [۱۵] Timeshare: What It Is, How It Works, and Types of Ownership, <https://www.investopedia.com/terms/t/timeshare.asp>

تحلیل انتقادی قوانین حقوق تجارت بین الملل از منظر قوانین داخلی ایران و قوانین بین المللی: ارائه راهکارهای اصلاحی با تطبیق قوانین داخلی و بین المللی

- * اسکینی، ربیعا (۱۳۹۷). حقوق تجارت بین الملل. تهران: انتشارات سمت.
- * اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران (۱۴۰۰). گزارش سالانه وضعیت تجارت خارجی ایران.
- * بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰). گزارش عملکرد اقتصادی و ترازنامه.
- * سازمان توسعه تجارت ایران (۱۴۰۰). آمارنامه تجارت خارجی ایران.
- * شیروی، عبدالحسین و همکاران (۱۳۹۸). چالش های حقوقی سرمایه گذاری خارجی در ایران. فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ۷(۲۶)، ۳۲-۹.
- * صفایی، سید حسین (۱۳۹۶). حقوق بین الملل و داوری های بازرگانی. تهران: نشر میزان.
- * مرکز توسعه تجارت الکترونیکی (۱۳۹۹). گزارش وضعیت تجارت الکترونیکی در ایران.
- * Schmitthoff, C. M. (2017). Schmitthoff's export trade: The law and practice of international trade. Sweet & Maxwell.
- * UNIDROIT (2016). UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts. Rome: International Institute for the Unification of Private Law.
- * World Bank (2021). Doing Business 2021: Comparing Business Regulation in 190 Economies. Washington, DC: World Bank

اختلال شخصیت دو قطبی و برخی بیماری های روانی از منظر حدود مسئولیت کیفری

- * آقای نیا حسین جرایم علیه اشخاص (۱۳۹۵)
- * نوربها رضا زمینه حقوق جزای عمومی (۱۳۸۳)
- * شیروی مهسا مهرزاد کیانی (۱۳۹۰) مسئولیت کیفری منحرفین جنسی در نظام عدالت کیفری
- * میرمحمد صادقی، حسین جرایم علیه اشخاص، چاپ دوازدهم، تهران: نشر میزان
- * میرسعیدی، سیدمنصور، مسئولیت کیفری: قلمرو و ارکان، ج ۱، تهران: نشر میزان
- * شمس ناتری، محمدابراهیم؛ کالنتری، حمیدرضا؛ زارع، ابراهیم؛ ریاضت، زینب تهران: نشر میزان
- * یکرنگی، محمد، کولیوند، رضا تأثیر اختلال هوس ربایش بر مسئولیت کیفری
- * فصلنامه حقوق پزشکی، سال هشتم، شماره بیستوهشتم
- * امامهادی، محمدعلی؛ جلیلود، مریم؛ صالحی، منصورفرآوانی اختلالات روانی در مجرمان قتل عمد فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی
- * American Psychiatry Association. (۲۰۱۲), Diagnostic and Statistical Manual of Mental Health Disorders (۵th edition), Washington, DC: American Psychiatric Press.
- * Angst J, Marneros A. (۲۰۰۱), «Bipolarity from ancient to modern times: conception, birth and rebirth», Journal of Affective Disorders, Volume ۶۷, Issues ۳-۱, PP. ۱۹-۳.
- * Bidzin ska, E.J. (۱۹۸۴). «Stress factors in affective diseases», British Journal of Psychiatry: Journal of Mental Science ۱۶۶-۱۴۴, ۱۶۱.
- * Bienvenu OJ, Davydow DS, Kendler KS. (۲۰۱۱). «Psychiatric "diseases" versus behavioral disorders and degree of genetic influence». Psychol Med ۴۱:۳۳; ۲۰۱۱.
- * Bitter SM, Mills NP, Adler CM, Strakowski SM, DelBello MP. (۲۰۱۱), «Progression of amygdala volumetric abnormalities in adolescents after their first manic episode». J Am Acad Child Adolesc Psychiatry; ۱۰:۲۶-۵۰; ۱۰۱۷.
- * Bohus, M., Haaf, B., Simms, T., Limberger, M.F., Schmahl, C., Unkel, C., Lieb, K., Linehan, M.M., (۲۰۰۴). «Effectiveness of inpatient dialectical behavioral therapy for borderline personality disorder: a controlled trial», Behaviour Research and Therapy ۴۲: PP ۴۸۷

راه های ارتباطی

وبلاگ:

<http://Araklawclub.blog.ir>

تلگرام:

https://t.me/Arak_law_club

جیمیل:

araklawclub۰۰@gmail.com

ایتا:

https://eitaa.com/Arak_law_club

اینستاگرام:

http://instagram.com/arak_lawclub